

خمینی و صدام

شهرهای ایران و عراق را به آتش و خون کشیده اند

* رژیم عراق، بیش از ۲۰۰ شهرهای ایران را بمباران کرد

* رژیم خمینی با ۲ موشک دیگر به بغداد به کشتار مردم عراق ادامه داد

* در بمبارانهای اخیر صدها نفر از مردم دو کشور کشته شدند

* حکام ایران همچنان بر طبل جنگ می‌کوبند

در صفحه ۴

اتحاد شوروی

خواستار قطع فوری جنگ ایران و عراق است

آندره ای گرومیکو وزیر امور خارجه اتحاد شوروی هفته گذشته، در دیدار با هیئت نمایندگی جامعه عرب، یکبار دیگر مواضع دولت شوروی را درقبال جنگ ایران و عراق تشریح کرد. هیئت بلند پایه عربی که از معاون نخست وزیر، وزرا و سفرای کشورهای مختلف عرب تشکیل شده است، برای بررسی جنگ ایران و عراق به مسکو سفر کرده بودند. هدف اعلام شده این هیئت، قطع جنگ میان ایران و عراق است.

آندره ای گرومیکو در این دیدار بار دیگر مواضع دولت شوروی مبنی بر قطع فوری جنگ میان دو کشور ایران و عراق را مورد تأکید قرار داد. وی اظهار داشت: "اتحاد شوروی از همان آغاز جنگ به نحوی بی‌تیر در راه قطع فوری جنگ و حل مسائل مورد اختلاف از راههای مسالمت آمیز کوشش ورزیده است. ادامه این جنگ هم با منافع ملل عراق و ایران مغایرت دارد و هم با هدف فشرده شدن صفوف کشورهای عرب در مقابل ادامه تجاوز اسرائیل که از حمایت ایالات متحده برخوردار است، انطباق ندارد. این درگیری به آرمان صلح و امنیت در خاور نزدیک و میانه زیان جدی می‌رساند."

آندره ای گرومیکو هم چنین خاطر نشان ساخت که اتحاد شوروی برای مساعدت به حل و فصل مناقشه، تمام کوشش خود را به کار می‌گیرد و از کوشش های بین المللی در این زمینه منجمده در چارچوب سازمان ملل متحد پشتیبانی می‌کند. وی متذکر شد که طرف شوروی اجازه نمی‌دهد که نیروهای امپریالیستی از وضعیتی که با جنگ ایران و عراق پدید آمده است، بعنوان بهانه ای برای دخالت در امور کشورهای این منطقه بهره جویی کنند.

وزیر امور خارجه اتحاد شوروی با اشاره به مسئله فلسطین اظهار داشت، راه حل مسئله فلسطین بر آورده کردن حقوق ملی خلق فلسطین، از جمله حق آنها برای تشکیل دولت مستقل فلسطینی است. هر گونه ساخت و پاخت جداگانه ای که این مسئله را نادیده بشیرد، حل و فصل اوضاع در خاور نزدیک را به بن بست می‌کشاند. وی در پایان تأکید نمود که رف. فوری زد و خورد های خونین میان اعراب در لبنان ضرورت دارد.

مصاحبه «اکتریت»

با یکی از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست پاکستان

در صفحه آخر

کشتار ساکنین بی دفاع شهرهای ایران و عراق که از هفته پیش آغاز شده بود، در طول هفته گذشته کماکان ادامه یافت. هواپیماهای نیروی هوایی عراق همه روزه بر اهالی میهنمان بمب فروریختند. خمینی به کشتار مردم شهرهای عراق ادامه داد. بغداد هدف یازدهمین حمله موشکی قرار گرفت.

اکنون هواپیماهای عراقی تا اعماق خاک ایران رخنه می‌کنند، در مناطقی پرواز می‌کنند که پیش از این هرگز نرسیده بودند. اضطراب و خشم در شهرهای ایران موج می‌زند. خمینی پرنده مرگ را بر فراز شهرها به پرواز در آورده است. شهرنشینان می‌کوشند شهرها را تخلیه کنند. فرار جمعیت از تهران شدت گرفته است. شیبا بیش از یک میلیون تیرانی راهی روستاها و بیابانهای اطراف می‌شوند. در روزهای تعطیل این رقم باز هم بیشتر می‌شود. مردم خشمگین هستند و تبهکاران حاکم در هراس. با اوج گیری خشم مردم، شورای امنیت کشور تشکیل جلسه داد. خمینی برای سرکوب تظاهرات ضد جنگ ششیر هایش را تیز می‌کند تا بماند، تا جنگ بماند، نکبت، فلاکت و ویرانی بماند... اما مردم برمی‌خیزند تا همه این عفونتها را برویند و بزدایند. در سرانجام این مصاف نه جنگ خواهد ماند و نه خمینی.

حکومت خمینی در تنگنای تاهمین دلار رفتی

با حراج منابع نفتی هم چاه ویل بودجه پر نشد

در روزهای گذشته، در آستانه تشکیل اجلاس کمیته اجرائی اوپک در طائف، غرضی وزیر نفت خمینی در مصاحبه‌های چندین، مواضع رژیم را پیرامون مباحث این اجلاس و هم چنین وضعیت بازارهای نفتی ایران تشریح کرد. مهندس غرضی در مصاحبه‌ای که در روزنامه اطلاعات ۵ خرداد منتشر گردید، اعلام داشت که دولت در سال گذشته نتوانسته است به درآمد نفتی پیش بینی شده دست یابد. درآمد حاصله معادل هفده میلیارد دلار یعنی ۱۵ درصد کمتر از رقم پیش بینی شده بوده است. حجم تولید روزانه نفت، در سال گذشته ۱/۶۷۶ بقیه در صفحه ۲



دوشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۶۴ - برابر آژوئن ۱۹۸۵
بها ۴۰ ریال - سال شانزدهم - شماره ۵۹

خمینی همه جا را ویرانه می‌خواهد

با تشدید دوباره جنگ شهرها، اوضاع منطقه بیش از پیش متشنج شده است. در همان حال که مردم شهرهای ایران و عراق، از جنایات حکام تبهکار دو کشور رنج و درد بی‌مانندی را تحمل میکنند و هزاران هزارتن در جستجوی پناهگاه امنی این گوشه و آن گوشه آواره شده‌اند، در پایتخت‌های کشورهای امپریالیستی روی منافع حاصله انحصارات از برپائی این نهر خون محاسبه می‌کنند. آنها در حالیکه دست خود را با آتش فروزان شده این جنگ خود ساخته گرم می‌کنند، این اظهار نظر رذیله‌نانه روزنامه امپریالیستی واشنگتن پست را تکرار می‌نمایند که "ایران و عراق مستحق آن خسارتی هستند که به یکدیگر وارد می‌کنند!"

امپریالیستهای آمریکائی نه فقط به منافع دراز مدت حاصله که به منافعی که هم اینک نیز حاصل می‌شود نظر دوخته‌اند. به گزارش رسانه‌های بین المللی، بنتاکون از وضعیت متشنج پدید آمده در خلیج بیره گرفته و طرحهای مداخله جویانه خود را با جدیت بیشتری پی گرفته است. دولت آمریکا با بهره‌گیری از اوضاع کنونی، آشکارا به شانتناژ کشورهای منطقه خلیج پرداخته است. حتی گفته می‌شود، ناوگروه‌های نیروی دریایی آمریکا برای اجرای طرحهای ضربتی آماده شده‌اند. نمایش این آمادگی خود بینهائی، برای باج‌خواهی سیاسی ایالات متحده سودمند است. بقیه در صفحه ۲

بندر چاه بهار: شاهدی بر کارکردنگ آلوده رژیم‌های شاه و جمهوری اسلامی

در این شماره تصویری از وضعیت دردانگیز مردم بلوچ در بندر چاه بهار ارائه می‌شود.

بندر چاه بهار در جنوب خاوری ایران و در کناره دریای عمان قرار دارد. آب و هوای این بندر، همچون دیگر نقاط بلوچستان گرم و سوزان است. جمعیت چاه بهار قریب به ۵۰ هزار نفر است که بخش عمده آن را روستائیان مهاجر تشکیل می‌دهند و بقیه ساکنین آن، مهاجرین فارسی زبان و اقلیتی از مهاجرین پاکستانی می‌باشند. رژیم گذشته اساساً به واسطه اهمیت استراتژیک دریای عمان و پیوند آن با خلیج فارس و اقیانوس هند، یعنی آنجائی که یکی از بزرگترین شاهراه‌های نفتی از آن عبور می‌کند، به بقیه در صفحه ۶

بلوچستان سرزمین سهمگین‌ترین ستم‌هاست. هر وجب از خاک این بخش از میهن ماسندی است در محکومیت رژیم‌های به ننگ آلوده شاه و خمینی. حکام تهران همواره تلاش کرده‌اند که چگونگی اوضاع این استان دوردست و فلاکت زده بازتاب نیابد تا با خاطری آسوده به رذالت‌هایشان ادامه دهند.

ما تاکنون در صفحات این نشریه اخبار و گزارش‌هایی چند از بلوچستان منتشر کرده ایم که "بلوچستان، یک تصویر، یک گزارش" و "گزارشی از آهوران، سرزمین رنج‌های بی‌مانند و دلاوریهای سترگ" دو نمونه آن بودند. این گزارش‌ها حاصل جمع‌بندی برخی از اطلاعات و اخباری هستند که فدائیان خلق از بلوچستان تهیه و برای ما ارسال می‌کنند.

علیه جنگ، برای صلح، بپاخیزیم!

پیام تبریک کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان

رفقای ارجمند!

هفتمین سالگشت انقلاب شکوهمند شورایی ما و از طریق شما به همه اعضای حزب برادر، حزب دمکراتیک خلق افغانستان و مردم آزاده و سربلند افغان تبریک و تمنیت می گوئیم.

پیشروی بدون وقفه انقلاب ثور و پیروزی های استوار و مطمئنی که خلقهای ازبند رسته افغانستان تحت رهبری حزب رزمنده و پر افتخار شما در راه استقلال، آزادی، پیشرفت و عدالت اجتماعی بدست آورده اند، الهام بخش خلقهای منطقه مادر پیشبرد پیروزمندانانه نبرد علیه امپریالیسم و ارتجاع است.

مردم ما به دستاوردهای درخشان انقلاب ثور و نبرد قهرمانانه حزب شما و زحمتکشان افغانستان برای ساختن جامعه منکی بر عدالت، برابری و برادری با دیده تحسین و احترام می نگرند و شاهد آنند که زحمتکشان افغان تحت رهبری میهن پرستانه حزب شما با گامهای بدون بازگشت بسوی قله پیروزی و سعادت به پیش می تازند!

رفقای ارجمند!

موفقیت بزرگ و درخشان شما در دایر کردن مجلس کبیر میهنی و فراخوان جلسه نوبتی کمیته هیئت رئیسه و کمیته های دائمی شورای جهانی صلح مبنی بر برگزاری هفته بزرگداشت انقلاب ثور و همبستگی با افغانستان انقلابی در روزهای اول تا هفتم اردیبهشت ماه امسال و استقبال شورانگیز کمیته های ملی شورای جهانی صلح در سراسر جهان از این فراخوان بیانگر تثبیت بی چون و چرای افغانستان انقلابی در مقیاس ملی و جهانی است.

ما با خرسندی و سربلندی تاکید می کنیم که مبارزه بخاطر انقلاب ثور، بخاطر دفاع از عدالت و ترقی و صلح در افغانستان از مبارزه بخاطر دفاع از عدالت و صلح در سراسر جهان جدا نیست. سازمان ما شرکت فعال در این مبارزه را از ازم وظایف میهنی و انترناسیونالیستی خویش می شناسد. زیرا رژیم استبدادی و ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران که به اهداف انقلاب بهمن ۵۷ خیانت ورزید و مردم و

میهن بلاکشیده ما را در آتش جنگ و خیانت به مصیبت و تباهی کشاند اکنون با کینه سبانه تری علیه مردم و انقلاب افغانستان به جنایت و دشمنی برخاسته است.

حکام مستبد و مرتجع ایران دست در دست امپریالیسم امریکا کشور ما را به پایتگاه ضد انقلاب افغانستان تبدیل کرده اند. دستجات ضد انقلابی باصطلاح " مجاهدین افغانی " با صرف هزینه های کثرت بویژه در تهران و مشهد و زاهدان رسماً آموزش می ببینند، مسلح می شوند و برای خرابکاری و جنایت آفرینی بداخل خاک افغانستان گسیل می گردند. و این در حالیکه که توده فریب خوردگان افغانی را در دسته های چند صد نفری با زور و اجبار به خطوط مقدم جبهه های جنگ ایران و عراق روانه می کنند تا بعنوان گوشت دم توب در مسلخ جنگ قربانی گردند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بار دیگر بنام مردم ایران و بنام همه محافل ترقیخواه کشور این جنایات بربر منشانه رژیم ایران علیه مردم آزاده افغانستان را قویاً محکوم می کند و نفرت و انزجار عمیق خود را از آن، با اعلام پشتیبانی آتشین از مردم و انقلاب افغانستان ابراز می دارد.

رفقای ارجمند!

پیروزی از آن خلقهای زحمتکش ماست. شکست فضاخت بار امپریالیسم و ارتجاع منقاعه بویژه امپریالیسم امریکا در جنگ اعلان نشده علیه افغانستان انقلابی و رشد و گسترش جنبش انقلابی مردم ایران - که راه شکوفایی می یوید - علیه ارتجاع حاکم بر کشور ما موید درستی این حکم محتوم تاریخ است.

اجازه بدهید بار دیگر سالگرد انقلاب شکوهمند ثور و پیروزیهای درخشان زحمتکشان افغانستان را در نبرد علیه امپریالیسم و ارتجاع که تحت رهبری رزمنده شما بدست آمده است شادباش بگوئیم و برای افغانستان انقلابی، آزاد و سعادتمند پیروزیهای باز هم عظیم تری آرزو کنیم.

زنده باد انقلاب شکوهمند ثور

درد آتشین به زحمتکشان و همه خلقهای بپاخاسته افغان
مرگ بر امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم امریکا
مستحکم تر باد پیوند انترناسیونالیستی حزب دمکراتیک خلق افغانستان و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
اردیبهشت ماه ۱۳۶۴

پیام به دبیرکل حزب کمونیست کانادا

رفیق عزیز!

بهترین شادباش های ما را به مناسبت برگزاری پیروزمندانانه بیست و ششمین کنگره حزب برادر، حزب کمونیست کانادا، بپذیرید. بیکمان این رویداد ثمرات پر ارجی برای طبقه کارگر کانادا و همه نیروهای صلح و ترقی بیار خواهد آورد. برای حزب شما در مبارزه بخاطر صلح و سوسیالیسم پیروزیهای بازم بیشتر، آرزوی کنیم.

رفیق گرامی!

بشپیبانی بیدریغ حزب کمونیست کانادا از کمونیستها و همه مردم ایران در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جنوه ای از پایبندی ستایش انتخیز حزب شما به انترناسیونالیسم برولتری و آرمانهای شریف طبقه کارگر است. آرزوی ما اینست که در این راستا مناسبات فیما بین کسترش بیشتری یابد.

لازم می دانیم از ابراز همدردی شما نسبت به شهادت رفیق قربانعلی مودنی یور، عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان ما به دست جلاخان رژیم خمینی صمیمانه تشکر نماییم نامه اعتراضیه شما به سفارت جمهوری اسلامی ایران در کانادا و دیگر اقداماتی که حزب شما در تقبیح این گونه جنایات انجام داده تجلی همبستگی رزمجویانه میان همه پویندگان راه صلح، دمکراسی، ترقی اجتماعی و سوسیالیسم است.

با بهترین درودهای رفیقانه

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شانس خوب امپریالیستها، مادامیکه رژیم های ایران و عراق تاسیسات و شهرهای یکدیگر را منهدم میکنند، تاکید می کند. واشنگتن پست نیز اعلام می کند که این جنگ پاسخگوی منافع امپریالیستهاست از ایروست که دولت ریکان همه کوشش خود را بکار گرفته است تا هر ابتکار مثبت را در تخفیف تنش در منطقه خلیج به بن بست بکشاند.

در پشت پرده دود ضخیمی که جنگ ایران و عراق برپا کرده است، این ناوگانهای آمریکائی هستند که همچنان به پیش می آیند. این واقعیت نگرانی بسیار نیروهای صلح و ترقی را برانگیخته است. با آگاهی به خطر جدی مداخلات نیروهای امپریالیستی است که آندره ای گرومیکو معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه اتحاد شوروی، اظهار

خمینی همه جا را ویرانه می خواهد

بقیه از صفحه اول

حادثه تروریستی اخیر در کویت که "جهاد اسلامی" آن را انجام داده است، بهانه تازه ای برای دامن زدن بر تنش های موجود ایجاد کرده است. تکذیب انتساب این سازمان اسلامی به رژیم جمهوری اسلامی از سوی وزارت امور خارجه خمینی، نتوانسته است عملکرد آشوبناک و آمریکاپسند این رژیم را بپوشاند.

آمریکا بیشترین بهره را از کردار و گفتار هرج و مرج طلبانه رژیم خمینی می برد. مجله آمریکائی بیزنس ویک در اشاره به این حقیقت است که روی

می کند "شوروی اجازه نمی دهد که نیروهای امپریالیستی از وضعیتی که با جنگ ایران و عراق پدید آمده است، بعنوان بهانه ای برای دخالت در امور کشورهای این منطقه بهره جوئی کنند."

رژیم جمهوری اسلامی با لجاج در ادامه جنگ، نه فقط قتل هزاران هزار ایرانی و عراقی را باعث شده و میهن ما را ویران کرده، نه فقط منافع ملی را به خطر انداخته که صلح و امنیت کل منطقه و صلح جهانی را نیز دچار مخاطره ساخته است.

باتشدید مبارزه علیه خمینی و علیه جنگ و باستراتژی رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی صلح و سعادت به میهن ما باز خواهد گشت. این همان چیزی است که امپریالیستها و ایادی آن را سخت هراسان کرده است.

حکومت خمینی در تنگنای تامین دلار نفتی

با حراج منابع نفتی هم چاه ویل بودجه پر نشد

میلیون بشکه بود که از سقف تعیین شده توسط اوپک برای ایران در آبان ماه سال گذشته یعنی ۲/۲ میلیون بشکه فاصله قابل توجهی داشته است.

این وضعیت مقامات رژیم را سخت به تکاپو انداخته است. آنها که برای پر کردن چاه ویل بودجه -جنتی و جیب گشاد غارتگران سرمایه‌های ملی، علیرغم همه تخفیف‌ها نتوانسته‌اند به هدف خود یعنی فروش نامحدود نفت دست یابند، سرکیجه گرفته‌اند که چگونه هزینه‌های روز افزون دم و دستگاه بارگاه ولایت فقیه را تامین نمایند.

اقتصادی و وابسته به نفت

سرکردگان رژیم حاضرند چه در اجلاس کمیته اجرائی اوپک در ژانف و چه پس از آن بی‌دلتی‌تن دهند تا برای صادرات انبوه نفت بازار بیابند. این امر برای این رژیم حیاتی است. زیرا درآمدهای نفتی بزرگترین منبع درآمد و تقریباً تنها منبع ارزی دولت است. با مرور بر ارقام بودجه سالهای اخیر روشن می‌شود که میانگین وابستگی مستقیم بودجه سالهای ۶۱ الی ۶۴ به درآمدهای ناشی از فروش و صدور نفت، بیش از ۵۵ درصد بوده است. البته باید خاطر نشان ساخت که میزان وابستگی درآمدهای دولت به نفت، برآیند بیش از این میزان است. چرا که بخش عمده درآمد مالیاتی دولت نیز ناشی از درآمدهای نفتی است و صادرات غیر نفتی کشور هم در برابر صادرات نفت، رقم قابل ملاحظه‌ای را تشکیل نمی‌دهد. میزان صادرات غیر نفتی کشور نسبت به کل صادرات، گاه حتی از ۲ درصد هم کمتر بوده است. میزان وابستگی درآمدهای دولت به نفت به حدی است که حتی خود سردمداران رژیم نیز توانائی اکتار آن را در خود نمی‌یابند. یکی از نمایندگان مجلس خمینی چنین اظهار می‌کند:

"درآمدهایی که اینجا هست، مالیات شرکت ملی گاز، مالیات شرکت سهامی پول، مالیات بر درآمد و حقوق، سود بازرگانی، حقوق گمرکی، موسسات دولتی، مالیات بر بنزین، مالیات بر نفت، گاز، مالیات بر نفت سفید، همه را جمع می‌کنیم می‌گوئیم که مالیات غیر نفتی داریم. اینها مالیات غیر نفتی نیست. ۸۵ تا ۹۰ درصد درآمد این مملکت مالیات نفتی است، ما غیر نفتی از کجا درآمد داریم؟" (جمهوری اسلامی، ۱-۱۲/۶۲)

محدودیت‌های صدور نفت و خوش باوریهای رژیم

با آغاز جنت ایران و عراق، میزان صدور نفت کشور، کاهش چشمگیری یافت. کاهش نقش و سهم اوپک در زمینه فروش نفت در بازار جهانی نیز در کاهش صدور نفت کشور موثر واقع شد. میزان صادرات نفت ایران در سال ۵۹، نسبت به سال ۵۸، یکباره قریب به ۷۰ درصد تنزل یافت و از ۲/۶ میلیون بشکه در روز به ۷۷۰ هزار بشکه در روز رسید. این رقم در سال ۶۰ نیز با مختصر افزایشی ثابت ماند. عدم توانائی در صدور

بقیه از صفحه اول

میزان عایدی بیش بینی شده از فروش نفت در بودجه سال ۶۴، نیز حتی بعد از تعدیل ۲۰۰ میلیارد ریالی آن توسط کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، بنا به اظهارات حکام دست یافتنی نخواهد بود:

"به نظر بنده این مبلغ با توجه به تصمیم گیری اوپک و کاهش مبلغ آن حاصل نخواهد شد."

(جمهوری اسلامی، ۱-۱۲/۶۲)

البته لازم به اشاره است که پاره‌ای از مسئولین دولتی شورشی دارند عدم توانائی در صدور نفت را پرده پوش کرده و وانمود کنند که دولت جمهوری اسلامی خواهان کاهش وابستگی به نفت می‌باشد. اما این گونه ادعاها آنچنان بی‌پایه و اساس است که در همان نهادهای دولتی از سوی مسئولین افشا شده و کذب آن معلوم می‌شود:

"از مقایسه درآمد نفتی این بودجه (۶۴) با درآمد نفتی بودجه قبل چنین نتیجه گرفتند که حرکت و روند در جهت کم کردن اتکا به نفت است. اما میدانید این در صورتی درست است که اولاً توان اکتشاف و صدور و فروش بیش از این را داشته باشیم... و خلاصه باید دید که نمی‌فروشیم و یا نمی‌توانیم." (کیهان هوایی، ۱۵-۱۲/۶۲)

ایران و اوپک

چنانکه در فوق نیز اشاره شد، سیاست ناظر بر صادرات و فروش نفت ایران، در راستای سیاست "اوپک شکنانه" انحصارات نفتی است. قیمت نازل و کوشش در صدور بی‌رویه نفت همان چیزی است که انحصارات نفتی خواستار آن می‌باشند. جمهوری اسلامی برای تحقق درآمدهای نفتی خود، حاضر به تن دادن به هر گونه معامله نابرابر و ضد ملی در این زمینه می‌باشد. گرچه امروزه دولت جمهوری اسلامی توانائی آنرا ندارد که صادرات نفتی خود را بسیار افزایش دهد، ولی انحصارات نفتی جهان، از همین تمایل و نیاز جمهوری اسلامی برای صدور بی‌رویه، استفاده می‌کنند و آن را هم به حربه ای علیه اوپک بدل کرده و هم با استفاده از حراج واقعی! تخفیفهای ویژه، نفت ایران را مفت به چنگ می‌آورند.

سهم اوپک در تامین نفت بازارهای جهان، مدام رو به کاهش بوده است. سهم اوپک هم اینکه به ۱۶ میلیون بشکه در روز تقلیل یافته که حدوداً کمتر از ۲۰ درصد مصرف روزانه جهان می‌باشد. بخت غرضی (در روز پنجشنبه ۹ خرداد) میزان صادرات روزانه کشورهای عضو اوپک در ماههای اخیر میلیونها بشکه از سقف ۱۶ میلیون تن نیز کمتر بوده است. کاهش قیمت ۵ دلار در هر بشکه نفت صادراتی اوپک، واقعا ضربه عظیمی بر کشورهای صادرکننده عضو اوپک بحساب می‌آید. در چنین شرایطی که حیات و مات سازمان اوپک به مسئله میمی در عرصه جهانی بدل شده است، حکام جمهوری اسلامی برای تامین مقاصد خود، سیاست ناصالح و ضد ملی فروش ارزان نفت را دنبال می‌کنند.

در شرایطی که میزان تولید و صدور و همچنین قیمت فروش نفت کشور توسط اوپک تعیین شده است، ولی مسئولین دولتی جمهوری اسلامی بآبی پروائی اظهار می‌کنند:

"در رابطه با فروش نفت، آقایان محدودیتی

بقیه در صفحه ۸

و فروش نفت، به عواید و درآمدهای دولتی لطمه جدی وارد ساخت.

اما در سال (۶۱) با خوش رقصی‌های جمهوری اسلامی در برابر امپریالیسم و با دادن تخفیف‌های بی‌مانند، کشتی‌های نفتکش انحصارات امپریالیستی روانه بندرگاههای ایران شدند و اوضاع تغییری جدی نمود. میزان صادرات نفت دوباره روند صعودی یافت و تقریباً به میزان ۲ میلیون بشکه در روز افزایش یافت. افزایش صادرات نفتی کشور در سال ۶۱، عمیقاً حایه شادی و خرسندی حکام و سردمداران جمهوری اسلامی گشت. درهای مملکت که بر روی کالاهای رتارنگ و بویژه کالاهای مصرفی نیمه باز مانده بود، چارلق باز شد؛ سوداهای عثمت جویانه سراسر حکومت را فراگرفت، ریخت و پاش اداری شدت یافت و در سایه عنایات حکام، تجار و سرمایه‌داران بر اندوخته‌ها و سودهای خود بیکران افزودند. سران جمهوری اسلامی کتوته نظران به برنامه‌ریزی‌ها و پیش بینی‌هایی بر اساس درآمدها و عواید ناشی از صدور و فروش نفت در سال ۶۱ پرداختند. و حتی مطابق همین پیش بینی غیر واقع بینانه برنامه پنجساله نخست جمهوری اسلامی را در تابستان سال ۶۲ تنظیم و ارائه کردند. در این برنامه پیش بینی شده است که:

"درآمد نفت و گاز از ۱۹۹۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۲ به ۲۰۵۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۳ افزایش می‌یابد و تا سال ۱۳۶۶ (یعنی پایان برنامه) هر ساله معادل ۲۰۵۱ میلیارد ریال خواهد بود که در کل برنامه بالغ بر ۱۰۲۰۰ میلیارد ریال خواهد شد." "بیش از چند ماه از ارائه برنامه پنجساله نخست جمهوری اسلامی از سوی نخست وزیر به مجلس جمهوری اسلامی، نمی‌گذشت که در بهمن ماه همان سال، مسئولین اعتراف کردند که:

"کاهش قیمت نفت در سال ۱۳۶۲، معادل هزینه جنتی ما، به اقتصاد ایران ضربه زد." (کیهان، ۲۰- بهمن ۶۲)

کاهش قیمت نفت و کاهش میزان صادرات نفت کشور بنا به محدودیت‌های ملی و جهانی، و بخاطر افزایش نا امنی در آبراههای خلیج بر طرحهای رژیم مهر باطل کوبید. در جدول تنظیمی زیر، میتوان مشاهده کرد که از رقم پیش بینی شده زیر درآمد ناشی از فروش و صدور نفت، در عمل چه مقدار حاصل شده است:

(واحد میلیارد ریال)

سال	میزان تعیین شده در بودجه دولت	نظر کمیسیون برنامه و بودجه مجلس	میزان واقعی دریافت شده
۱۳۶۲	۱۹۹۶	-	۱۶۸۷
۱۳۶۳	۲۰۵۱	۱۸۰۰	۱۱۰۶۱ ×
۱۳۶۴	۱۸۱۷	۱۶۰	۲

(تنظیم شده بر اساس آمارهای مندرج در روزنامه جمهوری اسلامی، ۱-۱۲/۶۲)

* این رقم مربوط به درآمدهای یازده ماهه سال ۶۲ است

از رویدادهای ایران

جنگ شهرها ادامه دارد

دوشنبه ششم خرداد ماه :

هواپیماهای بمب افکن جمهوری اسلامی به بهانه واکنش در برابر حملات هوایی روز گذشته عراق، به شهرهای کوسنجیق، عقره، دیانه، سعیدیه و علی غریبی حمله کردند. شب همان روز، هواپیماهای عراقی بار دیگر بر فراز تهران ظاهر شده و مناطق مسکونی پایتخت را بمباران کردند. روزهای یکشنبه و دوشنبه، مجموعاً ۴ بار، تهران هدف حملات هوایی قرار گرفت.

سه شنبه هفتم خرداد ماه :

هواپیماهای عراقی در ساعت ۲/۳۰ دقیقه بامداد، نقطه از تهران را هدف قرار دادند. گزارش‌های رسمی میزان تلفات این روز را ۹۱ نفر کشته و ۱۴ تن مجروح اعلام کرد. آمار رسمی بدفعات از رقم واقعی تلفات کمتر است. یگانهای توپخانه ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران، شهر بصره و حومه آن را زیر آتش گرفتند.

در این روز، بغداد مورد اصابت دهمین موشک قرار گرفت. از خسارات وارده گزارش موثقی در دست نیست. یک ساعت بعد از حمله موشکی به بغداد رژیم عراق اعلام کرد که ۶۲ هواپیمای جنگی خود را برای اجرای ماموئیت‌های ویرانگرانه به دهان نقله ایران اعزام داشته است. هواپیماهای مهاجم، علاوه بر تهران، به نواحی مسکونی شهرهای سرپل ذهاب، گیلانغرب، ایلام و آبادان و همچنین به پادگانهای نظامی عین‌خوش، بانه و مریوان نیز حمله کردند.

شورای امنیت کشور با شرکت ناظران شورای وزیر کشور، رضایی رئیس سپاه پاسداران، سهرابی فرمانده ژاندارمری کل کشور و سالک سرپرست کمیته‌های کشور در حضور رئیس‌جمهور، تشکیل جلسه داد. رادیوی دولتی که این خبر را منتشر کرد، از دیگر شرکت کنندگان در این جلسه نام نبرد. تعجیل در تشکیل چنین جلسه‌ای بیانگر ترس و واکنش رژیم از گسترش تظاهرات و اعتراضات ضد جنگ و تکرار رویدادهای محله ۱۲ آبان در دیگر مناطق می‌باشد.

چهارشنبه هشتم خرداد ماه :

یگانهای توپخانه ارتش جمهوری اسلامی، شهرهای جنوبی عراق را زیر آتش خود گرفتند و شهرهای عراقی فاو، بصره، خانقین، زیاده، الحیبیر، مندلی، خورمال و سیدصادق را هدف قرار دادند. دولت عراق بمباران شهرهای بصره، مندلی، خانقین، زورباتیه، بدره، حلبچه را تایید کرد.

تبادل آتش سلاحهای سنگین در جبهه‌های نو سود، سرپل ذهاب، قصر شیرین، صومار، میمک، مهران و دهلران ادامه یافت. نیروی هوایی عراق نیز به بمباران شهرهای بزرگ کشورمان ادامه داد. در این روز شهر کرج و مناطق مسکونی تبریز و تهران هدف قرار گرفتند.

پنج شنبه نهم خرداد ماه :

ضمن تبادل آتش سلاحهای سنگینی در جبهه‌ها، تعدادی از هواپیماهای عراقی به حریم هوایی تبریز، تهران، قم، کرج، اصفهان، همدان، اهواز و باختران تجاوز کرده و در همدان و اصفهان، نقاطی را مورد حمله قرار دادند. نیروهای عراقی، دیوار صوتی را در شهرستانهای چالوس، قزوین، زنجان، کاشان، و اراک، شکستند.

نیروهای مسلح رژیم جمهوری اسلامی شهرهای بصره، مندلی، خانقین، ابوالخطیب، بدره، زورباتیه، نفتخانه، و مهرآز، حلبچه، خورمال، سیدصادق، شانه‌دری و پایگاه هوایی شیبه را به توپ بستند.

سفرماندهی ارتش عراق اعلام کرد که هواپیماهای آن کشور ساعت ۱۰/۲۰ صبح، به شبکه پدافند هوایی جزیره خارک رخنه کرده و تاسیسات نفتی این جزیره را هدف بمباران قرار داده‌اند.

روزنامه القادسیه ارکان ارتش عراق طی مقاله‌ای نوشت، جمهوری اسلامی هجوم تازه‌ای را تدارک می‌بیند.

جمعه دهم خرداد ماه :

ساعت ۲/۵۰ دقیقه بعد از ظهر، هواپیماهای عراقی بر فراز تهران ظاهر شده و باره‌ای از نقاط پایتخت را بمباران کردند. هواپیماهای عراقی، همچنین شهرهای کاشان و قزوین را نیز مورد حمله قرار دادند.

رفسنجانی سخنگوی شورای عالی دفاع در سخنرانی نماز جمعه تهران، هم‌چنان بر ادامه جنگ تأکید کرد و شعار رسمی این روز نیز "جنگ، جنگ، تایید روزی" بود.

شنبه یازدهم خرداد ماه :

نیروی هوایی عراق، تهران و چند شهر مرزی ایران را بمباران کرد. سفرمانده‌ی عراق اعلام نمود که فرودگاه مهرآباد، هدف بمباران هواپیماهای عراقی قرار گرفته است. خبرگزاری فرانسه نیز، خبر مربوط به بمباران فرودگاه مهرآباد را تایید کرده و افزود که پروازهای این فرودگاه با تاخیر انجام می‌شود. جنگنده بمب افکن‌های عراقی، گیلانغرب، و آبادان نظامی در بانه و حومه آن را نیز هدف قرار دادند. نیروی هوایی جمهوری اسلامی نیز ۲ شهرک مرزی عراق را مورد حمله قرار داد. در این روز بغداد هدف یازدهمین موشک ایران قرار گرفت. کمتر از یک ساعت بعد عراق به بمباران مجدد تهران اقدام کرد.

شهرهای بصره، زبیر، سیحان، زیاده، تنومه، نفتخانه، مندلی، خورمال، شانه‌دری، خانقین و چند شهر دیگر عراق نیز، بنا به گفته رادیو جمهوری اسلامی، زیر آتش سنگین یگانهای توپخانه ایران قرار داشت. ارتش جمهوری اسلامی همچنین گزارش داد که حملات هوایی عراق به سقر، مریوان، قزوین و همدان را خنثی نموده است.

یکشنبه دوازدهم خرداد ماه :

یگانهای توپخانه ارتش ایران ۹ شهر مرزی عراق را هدف قرار دادند. متقابلاً نیروی هوایی عراق شهرهای تهران، ارومیه و مریوان را بمباران کرد. بمباران تهران در ۲ و ۲۵ دقیقه بامداد صورت گرفت.

کاندید اتوری مهدی بازرگان

مهدی بازرگان نخست وزیر دولت موقت، از سوی نهضت آزادی به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری معرفی شد. این خبر در روزنامه جمهوری اسلامی مورخه ۲ خرداد، بازتاب یافت. پیش از این وزیر کشور در مصاحبه مطبوعاتی خود اعلام داشته بود "که نهضت آزادی می‌تواند دفتر خود را باز نماید و زمینه از سوی دادستان عمومی تهران برای صدور اجازه باز کردن دفتر آنها فراهم است." نهضت آزادی علاوه بر بازگشایی دفتر خود، خواهان انتشار مجدد روزنامه میزان گردیده است.

تشکیل ستاد جنگ در کلیه وزارتخانه‌ها

در جلسه چهارشنبه اول خرداد ماه هیات دولت و دکتر فیروز آبادی، معارن نخست وزیر و دبیر کمیسیون ویژه پشتیبانی صنعتی - مهندسی جنگ - به شرح وظایف این کمیسیون مبادرت ورزید. نامبرده اظهار داشت که: "بررسی و اتخاذ تصمیم در مورد نحوه استفاده از امکانات وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی در عملیات جنگی و اجرای طرح‌های مصوب شورای عالی دفاع و همچنین تقاضاهای وزارتین سپاه و دفاع بر عهده این کمیسیون می‌باشد." هیئت دولت در همین روز به منظور نظامی کردن همه ارگانهای دولتی، تشکیل نهادی موسوم به ستاد جنگ را در کلیه وزارت خانه‌ها زیر نظر وزیر و یا بالاترین مقام مسئول تصویب نمود.

میزان صادرات و واردات کشور
در سال ۶۳ اعلام شد

در تاریخ یکم خردادماه، وزیر بازرگانی جمهوری اسلامی، در ادامه کار "سینار بررسی مسائل اقتصادی"، ضمن اشاره به اهمیت صادرات نفت به عنوان مهمترین منبع درآمد ارزی کشور، اظهار داشت: "اساس اقتصاد ما بر این مبنا بود که منابع زیرزمینی خرد (عمدتاً نفت) را استخراج کرده و به کشورهای صنعتی بفروشیم و دلارهای حاصل از آن را صرف خرید کالاهای ساخته شده توسط همان کشورها بکنیم." وی در ادامه گزارش خود، به آمار مربوط به میزان صادرات غیرنفتی و واردات کشور در سال گذشته پرداخت و عنوان نمود: "سال گذشته در مقابل کمی بیش از ۲۰۰ میلیون دلار صادرات غیرنفتی، ۲۰ میلیارد دلار واردات داشته‌ایم و این نسبت بسیار ناچیز است." به این ترتیب ارزش واردات کشور در سال گذشته ۶۶ برابر صادرات غیرنفتی بوده است.

به نوشته روزنامه اطلاعات چهارم خرداد یکی از طرفهای اصلی بازرگانی خارجی کشور، ترکیه بود که سه میلیارد دلار از کل معاملات خارجی ایران را به خود اختصاص داده است.

۱۲ انتصاب در مدت ۳ روز

بنابه اطلاعیه‌های وزارت کشور تنها در عرض ۲ روز، یعنی از ۲۹ اردیبهشت الی ۱ خردادماه، ۱۲ انتصاب جدید در این وزارتخانه صورت گرفته است. ۱.



اول ماه مه در کارخانه های تهران

* در کارخانه ایران ناسیونال در روز اول ماه مه کارگران به سرکار نرفتند. اما ناچار به حضور در محل کارخانه شده بودند. پس از اینکه بلندگو اعلام داشت که همه باید برای رفتن به ورزشگاه آزادی - محل اجتماع فرمایشی رژیم - آماده شوند، بسیاری از کارگران به سرعت خود را از دیوار محوطه کارخانه بالا کشیده و محل را ترک گفتند. کثرت کارگرانی که از دیوارها بالا می رفتند، صحنه خنده داری پدید آورده بود. مسئولین با دیدن این صحنه ناچار شدند درهای کارخانه را باز نمایند. پس از آن دیگر تقریباً همه کارگران از شر حضور در مراسم فرمایشی رهایی یافته و راهی خانه هایشان گردیدند. بخش اعظم دوست دستگاه اتوبوسی که برای انتقال کارگران آورده بودند کاملاً خالی ماند و باز گردانده شدند.

مقاومت دلیرانه مردم مجیدیه تهران در برابر ارگانهای سرکوب

در روز هجدهم اردیبهشت در مجیدیه تهران، گروهی از سوی دادستانی به سه خانوار ساکن این محل مراجعه کرده و خواستار شدند که آنان منازل خود را تخلیه نمایند. به این سه خانوار اخطار کردند که در صورت امتناع خانه هایشان را بایبولدوز ویران خواهند کرد. ظاهراً زمین خواری مدعی اراضی منطقه گردیده بود و نفقات دادستانی را برای ضبط این اراضی فرستاده بودند. مقاومت این سه خانوار در برابر این تعدی گستاخانه از حمایت و همراهی همه ۶۰ خانوار دیگر ساکن محله برخوردار گردید و مأمورین دادستانی را وادار به گریز نمود.

* در کارخانه روغن کئی شاه پسند برای کشاندن کارگران به ورزشگاه آزادی، زدن کارت خروجی را موکول به بازگشت از ورزشگاه نمودند.

* در شرکت فولمن که سازنده فیوزهای برق فشار قوی و متعلق به بخش خصوصی است، کارگران با وجود منع وزارت کار و کارفرما روز اول ماه مه را تعطیل کرده و سرکار حاضر نشدند.

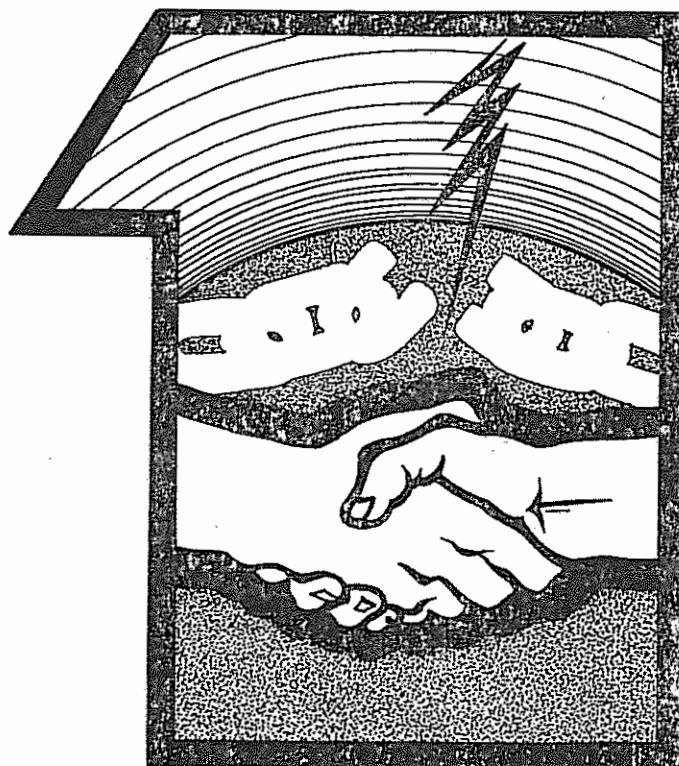
در روز دوم خرداد ماه کارگران شرکت فولمن دست به اعتصاب زدند. اعتصاب بدنیال تاخیر در پرداخت دستمزد ماه اردیبهشت صورت پذیرفت. مذاکراتی که پیش از آغاز اعتصاب با نماینده کارفرما انجام شده بود، نتوانست به نتایج مورد نظر کارگران بیانجامد.

* کارگران سازمان آب تهران در روز اول ماه مه در محل کارگرد آمده و پس از تبادل نظر بایکدیگر تصمیم گرفتند این روز را تعطیل نمایند. آنها تأکید میکردند که در این روز در همه جای جهان کارگران کار را تعطیل میکنند. پس از پایان مشاوره همه کارگران دسته جمعی محل کار را ترک کردند و به منبع مسئولین وقعی ننهادند.

اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)

روز همبستگی کارگران و زحمتمندان سراسر جهان گرامی باد.

* کارگران تارخانه زامباد چند روز قبل از اول ماه مه از طریق همیاری مبلغی پول برای شیرینی جشن روز کارگر گرد آورده کردند. آنها هم چنین تصمیم گرفتند در این روز از کارکردن خودداری نمایند. این تصمیم در حالی گرفته شد که انجمن اسلامی ملی اعلامیه هایی افزایش تولید در این روز را تبلیغ می کرد. در روز دهم اردیبهشت شیرینی تهیه شده در میان شور و نشاط کارگران بخش شد.



در یازدهم اردیبهشت وقتیکه برای انتقال کارگران به ورزشگاه آزادی اتوبوسها را به محل کارخانه آوردند، کارگران یک به یک محل را ترک کرده و خارج شدند. از ۲۵۰ کارگر این واحد تنها ۱۰ نفر را توانستند به خراخی خامنه ای کشانند.

مرداران فدائیان خلق (اکثرت) اردیبهشت ۱۳۶۴

در بزرگداشت روز جهانی کارگر، فدائیان خلق در سطح کشور دست به تبلیغات گسترده ای زدند. تر اکت فوق از سوی واحدی از مرداران سازمان در تهران پخش گردید

فردای آن روز نفقات کمیته، سپاه و شهربانی به محل آمده و منظره را محاصره کردند. مردم باردیگر به طور دسته جمعی به مقاومت برخاستند که به بروز درگیری هایی انجامید. در این درگیریها زنان نقش ویژه ای داشتند. آنها رودر روی نفقات پاسدار شعار می دادند "مرگ بر ضد انقلاب".

مهاجمین عده ای از مردم را دستگیر ساختند که از جمله آنان آهنگر محله بود. اما مردم مانع انتقال دستگیرشدگان گردیدند. مردم محله مجیدیه نه فقط توانستند دستگیرشدگان را آزاد نمایند، بلکه نفقات ارگانهای سرکوب را نیز وادار به عقب نشینی کردند. در پی این پیروزی آرامش به مجیدیه بازگشت.

اخباری از مدارس تهران

* اخیراً مدیر دبیرستان دخترانه فیاض بخش در خیابان جلال آل احمد توسط مسئولین برکنار گردید. روزی که مدیر تازه در معیت یک روحانی برای آغاز کار به دبیرستان آمده بود، دانش آموزان گرد آمده و ضمن اعتراض به این جابجایی، خواستار ابقا مدیر قبلی شدند. تهدیدات و فریبکاریهای روحانی مزبور نه تنها موثر واقع نشد بلکه دانش آموزان او را وادار به پناه گرفتن در دفتر دبیرستان نمودند. در این حرکت تعدادی از شیشه های مدرسه شکسته شد.

برای مقابله با دانش آموزان خشمگین از طرف کمیته تعدادی پاسدار فرستاده شد. اما نفاقاً توانستند مدیر و روحانی همراهش را اسکورت کرده و تاراج نمایند.

* در دبیرستان دستغیب (کیهان نو) واقع در منطقه آتهران اقدام به چم آوری کمک مالی اجباری بشرای جبهه از دانش آموزان نمودند. دانش آموزان که راضی به این کار نبودند به طور دسته جمعی مخالفت و اعتراض کردند. نفقات انجمن اسلامی باحرکات اوباشانه کوشیدند دانش آموزان را مرعوب نمایند. دانش آموزان خشمگین به مقابله برخاستند که در نتیجه زد و خوردی روی داد.

بندر چاه بهار:

شاهدی بر کارکردنگ آلوده رژیم های شاه و خمینی

پتیه از صفحه اول

این بندر توجه داشت. فاصله هوایی بندر چاه بهار تا جزیره "دیه گورگاریا" که از پراهمیت ترین پایتگاههای نظامی امپریالیسم آمریکادر منطقه است، فقط ۴ دقیقه می باشد. فاصله دریایی بندر چاه بهار با کشورهای حوزه خلیج فارس نیز اندک است. این ویژگی بود که رژیم گذشته را بر آن داشت تا به این بندر مهم از حیث استراتژیکی توجه جدی نماید. رژیم شاه، سه پایگاه نظامی مهم زمینی، دریایی و هوایی را در "بندر کنارک" که همجوار چاه بهار است، مستقر نموده و چاه بهار را از طرق هوایی، زمینی به مرکز وصل نمود. رژیم شاه برای مقاصد سیاسی، نظامی و اقتصادی دراز مدت خود، روی بندر چاه بهار حساب مخصوصی باز نمود. البته روشن است که رژیم سرسپرده شاه، حتی یک صدم از میلیونها دلار پولی که صرف استقرار پایگاههای نظامی در چاه بهار کرده بود را نیز به بهبود وضع زندگی توده های این بندر اختصاص نداد. هنگام سرنگونی رژیم شاه، پایگاههای نظامی چاه بهار آماده "بهره برداری" بود ولی در همان حال، این بندر پراهمیت، بیش از یک بیمارستان صد تخت خوابه، یک داروخانه معمولاً فاقد دارو، یک دبیرستان آنهم پسرانه، نداشت و حتی مردم فاقد آب آشامیدنی بودند.

اکنون چاه بهار، بار دیگر برای حکومتگران فعلی مطرح شده و اهمیت پیدا کرده است، درست به همان خاطری که برای رژیم شاه حائز اهمیت بود. در این گزارش، با نثرشی بر زندگی افشارمختلف مردم این شهر، خواهیم دید که همچون رژیم گذشته، آنچه برای حکام ضد مردمی جمهوری اسلامی کمترین اهمیتی ندارد. همانا وضع گذران و نحوه معیشتی زحمتکشان این بندر فلاکت زده است.

زحمتکشان

بخش اصلی جمعیت چاه بهار ادهقانان مهاجر روستاهای اطراف تشکیل می دهند. این دهقانان در گذشته ای نه چندان دور، در روستاهای خود مشغول جدالی سخت با طبیعت خشک بلوچستان بودند. اما بالاخره مجبور شدند، در گریز از نظام سردارها و برای رهایی از فقری نفس گیرخانه و کاشانه و خاک خویش را ترک گفته و به چاه بهار مهاجرت کنند. مطابق آمار رسمی در پی این مهاجرت جمعیت چاه بهار دو برابر شده است. روستائیان مهاجر به کارهایی مثل صیادی، دستفروشی، کارگری ساختمان مشغولند. گروهی از آنان نیز بناگزیر روانه کشورهای خلیج شده اند.

گرچه هر دو رژیم و بویژه رژیم فعلی، مدعی بوده اند که به وضع توده های زحمتکش بلوچستان سروسامان خواهند داد، ولی در عمل جز تکرار وعده و وعده کار دیگری نکرده اند. بعنوان مثال، هر دو رژیم، که یکی آغازگر و دیگری ادامه دهنده عملیات احداث "سد پیشین" بوده اند، چنین ادعا کرده اند که احداث این سد نشانه توجه شان به روستائیان اطراف چاه بهار (منطقه دشتیاری، سرباز، وراسک) است. اما طرح احداث سد که طبق برنامه می بایست سه ساله

حقوق، نداشتن آب آشامیدنی و... دست به گریبان هستند. خانه های سازمانی که برخی از ادارات دولتی احداث کرده اند، معمولاً به کارمندان رده بالا اختصاص دارد. دیگر کارمندان و مردم شهر ناچارند نصف تا سه چهارم درآمد خود را صرف اجاره خانه نمایند. اکنون مشکل گرانی و تورم و حذف پاره ای از مزایای گذشته نیز بر مجموعه مشکلات سابق افزوده شده که موجب گسترش موج استعفا در کارمندان گشته است. کار استعفای کارمندان بقدری بالا گرفته است که فرمانده ارچاه بهار طی بخشنامه ای به شرکتهای خصوصی ابلاغ کرد حق پذیرش کارمندان مستعفی را ندارند.

اگر وضعیت کارمندان جزو متوسط هر روز بدتر می شود، در مقابل عده ای از روسای ادارات و ارگانها هم روزه به برکت قدرت حکومت، بر میزان ثروت خویش می افزایند. رئیس اداره بازرگانی چاه بهار تا جائیکه توانسته کالاهای سمیه بندی شده را در خارج از چاه بهار، به فروش رسانده و می رساند. سرپرست سازمان بنادر و کشتیرانی، سمیه کالاهای کارمندان را قطع کرده است. او به کمک باند خود، به خرید و فروش کالاهای مشغول است که از کشورهای حوزه خلیج قاچاق می کند. و این همه تنها مثنی از خروار است.

جوانان

جوانان چاه بهار نیز قربانیان این رژیم خیانت پیشه و فسادگستر می باشند. در این شهر ۵ هزار نفری، تعداد دانش آموزان به دوهزار نفر هم نمی رسد. در سطح شهر تنها ۴ دبستان، ۴ مدرسه راهنمایی یک دبیرستان پسرانه و یک هنرستان پسرانه وجود دارد. و این تمام امکانات آموزشی موجود در شهر می باشد. تازه این امکانات محدود هم، عمدتاً در خدمت غیر بومی هاست. بطور نمونه در دانشکده دریانوردی چاه بهار تنها یک نفر از اهالی چاه بهار قبول شده بود که وی نیز بخاطر شرایط سخت این دانشکده مجبور به ترک تحصیل شد. دانش آموزان بلوچ بعلت نامانوسی بازبان فارسی،



اکثراً از مدارس گریزانند. جوانان نه امکانات ورزشی دارند و نه امکانات تفریح سالم. تنها سینمای شهر که گویا فقط اجازه نمایش فیلم های میتدل را دارد، محلی برای اتلاف وقت است. اکثریت قریب به اتفاق جوانان چاه بهار از آنجا که رفتن به سربازی را برابر با جرفاله شدن در "تنورجنگ" می دانند، از رفتن به سربازی امتناع می ورزند. برخی نیز تنها در دوره آموزشی سربازی شرکت می کنند و در صورتیکه بعد از طی دوره آموزشی، در منطقه بلوچستان بکار گرفته نشوند، از سربازی فرار کرده و به خیل آوارگان این منطقه می پیوندند. البته

اتمام پذیرد، اینک ۱۲ سال است که ادامه داشته و معلوم نیست کی پایان خواهد یافت. در حال حاضر از آنجا که رژیم، بودجه اکثر طرحهای عمرانی را صرف جنگ خانمانسوز با عراق میکند، پروژه احداث سد، عملاً به حالت تعطیل درآمده و این سد نیمه تمام بصورت مخروبه رها شده است.

بخشی از ساکنین چاه بهار را کارگران ساده ای تشکیل می دهند که بطور عمده در کارهای ساختمانی و راهسازی مشغول به کار هستند. پس از انقلاب بهمین زمانی که رژیم جهت تکمیل پایگاههای کنارک و ایجاد اسکله های چاه بهار بودجه گذاشت، این قبیل فعالیتها مجدداً رونق گرفته و بخش وسیعی از روستائیان آواره بلوچ را به خود جلب نمود. کارفرمایان این شرکتها که از حمایت بیکران رژیم جمهوری اسلامی برخوردارند، هر طور که مایل بودند حقوق و ساعات کار کارگران را تعیین می کردند. این کارگران به کارگران بلوچ تبعیض روا می داشتند. بطور نمونه سطح حقوق کارگران بلوچ پائین تر از کارگران غیر بومی است. کارفرمایان باهمین میزان حقوق تا آنجا که امکان داشتند، بلوچ ها را استثمار می کردند. امروزه روز، اکثر این کارگاهها بواسطه کمبود بودجه دولت تعطیل شده و موضع کارگران آن به و خامت گرائیده است.

بخش وسیع دیگری از مردم چاه بهار به مغازه داری، دکه داری و دستفروشی اشتغال دارند. آنها که عملاً بی کار هستند، زندگی خود را با خرید و فروش کالاهای "قاچاق" می گذرانند. دکه داران و دست فروشان دستخوش انواع فشارها و تضییقات می باشند. امروزه که هیچ امکان کاری دیگر در شهر وجود ندارد و مهاجرت به کشورهای خلیج نیز چون گذشته، ساده نیست، هر روز بر تعداد دکه داران افزوده می شود. این زحمتکشان آواره، حتی در مشاغل جدید خود نیز به بهانه های مختلف و وامی، مورد ظلم و جور نیروهای حکومتی قرار می گیرند. کمیته چپی های حکومت هر از چند گاهی به سراغ دکه داران رفته و اجناس ناچیزشان را به بهانه قاچاق و فروش غیر قانونی به تاراج می برند. در تابستان سال ۶۲ که کمیته چپی ها به دکه داران هجوم آورده بودند، باعث خشم دکه داران شده، و دکه داران، دکه ها را بسته و در خیابان شهر اجتماع کردند. آنها می گفتند: "اگر دکه داری بد است، برایمان کار فراهم کنید. زمین های رها شده آب می خواهند، به ما آب و زمین بدهید." اما رژیم این حرکت اعتراضی را سرکوب کرد.

کارمندان

کارمندان دولت، بخش دیگری از ساکنین چاه بهارند. اینها اکثراً غیر بلوچ هستند و در میان مسئولین ادارات حتی یک بلوچ دیده نمی شود. کارمندان غیر بومی رده پائین در گذشته بخاطر مزایای دوری از مرکز، حق مأموریت و حق بدی آب و هوا... به این بندر دور افتاده آمده اند. آنها همیشه با مشکلاتی نظیر بی مسکنی، ناکافی بودن

حکومت نیز به انحاء مختلف "دام‌های شکار شمولین" را پهن کرده است. برای مثال، در بهار سال ۶۳، نیروهای انتظامی مکان برگزاری یک مسابقه فوتبال را در "قصرقند" (یکی از بخش‌های چاه‌بهار) محاصره کرده و کلیه شمولین را دستگیر ساخته و به سربازی فرستادند. رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی با مقررات سنگینی که در خصوص فرار از خدمت سربازی وضع کرده، آینده این جوانان را تیره و تار نموده است. در چنین شرایطی جوانان چاه‌بهار بیش از هر زمان دیگری به اعتیاد روی آورده‌اند. هم اکنون گسترش روزافزون اعتیاد در میان جوانان چاه‌بهار پدید آمده است.

زنان و دختران بندر چاه‌بهار، نیز با مشکلات به مراتب بیشتری نسبت به زنان سایر نقاط کشور، مواجه‌اند. از مجموع امکانات آموزش این بندر، تنها یک دبستان و یک مدرسه راهنمایی به دختران اختصاص دارد. برای دختران پس از طی دوره راهنمایی امکان ادامه تحصیل موجود نیست. چندی پیش رژیم خمینی در پاسخ به خواستهای مردم در این زمینه اعلام داشته بود که دختران در تنها دبیرستان شهر که سرانه است، به شکل مختلط می‌توانند ادامه تحصیل دهند، مشروط بر اینکه پس از پایان ساعت درس از کلاس خارج نشوند. با چادر و مقنعه در کلاس حضور یابند و سوالات درس خود را تنها به تریق کتبی ارائه کنند. با چنین شروطی، طبیعی است که هیچ دختری نمی‌توانست در کلاس مختلط شرکت نماید.

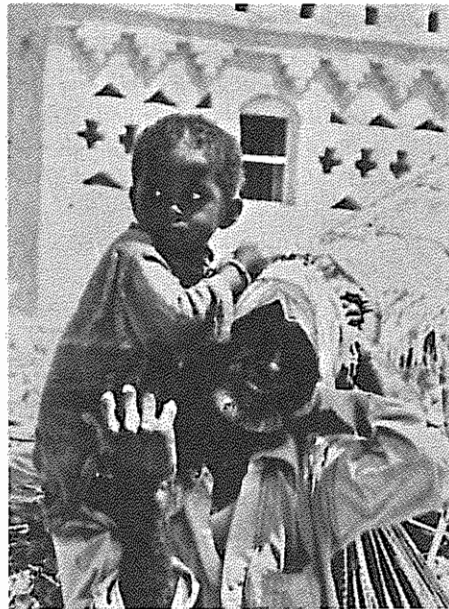
فقر فرهنگی حاکم بر منطقه، همراه با ستم مضاعف و سنگینی که بر زنان روا داشته‌اند، باعث شده که زنان بلوچ عملاً در هیچ‌گونه فعالیت اجتماعی شرکت نداشته باشند. آنها در سخت‌ترین شرایط، در جهان کوچکشان (خانه) زندگی می‌کنند.

فقدان حد اقل امکانات زیستی

در این بندر استراتژیک هنوز آب آشامیدنی لوله کشی وجود ندارد. مردم برای تامین آب مورد نیاز، ناگزیر به خرید آب از جاهای اطراف شهر هستند. در همین رابطه، سرمایه‌داری بنام "حاجی مومنی" که از مقربین درگاه حجت الاسلام موسوی امام جمعه شهر می‌باشد، آب چاهش را که مطابق نظر سازمان آب چاه‌بهار تا ۶۰ درصد املاح ترکیبی دارد، با هزینه حمل و نقل، لیتری ۱۰ ریال به فروش می‌رساند. در حالیکه مزدوران رژیم تاکنون بارها به دهکداران هجوم آورده‌اند، ولی حتی یکبار هم مزاحم کارهای "حاج آقا" نشده‌اند! این بندر ۵۰ هزار نفری، یک بیمارستان... تخت خوابه دارد که از امکانات معمول یک بیمارستان نیز برخوردار نیست. در این شهر تنها مطب یک پزشک و دو داروخانه وجود دارد. در چنین وضعیتی طبیعی است که بیماریهای مختلف از جمله مالاریا، اسهال خونی، سالک و بیماریهای پوستی به نحوی گسترده و وسیع شایع باشد. مرگ و میر در میان کودکان بالاست و زنان از هیچ‌گونه امکان بهداشتی و درمانی خاص خود، برخوردار نیستند.

وضع توزیع کالا در چاه‌بهار به مراتب بدتر از دیگر نقاط کشورمان است. کالاهای اساسی سهمیه بندی شده معمولاً به دست زحمتکشان شهر نمی‌رسد، چرا که فرمانداری از دادن دفترچه بسیج و کوپن کالاها به

مهاجرین روستایی که در واقع اکثریت اهالی این شهر را تشکیل می‌دهند، امتناع می‌ورزد. وضعیت توزیع برخی از کالاها چنین است: گوشت سرد در دوقصابی شهر در فاصله زمانی هفته‌ای تا دو ماه یکبار، توزیع می‌شود. شرکت شیلات روزانه فقط به مدت یک ساعت ماهی توزیع می‌کند که بهیچوجه جوابگوی نیاز و تقاضای مردم نیست. مردم مجبور شده‌اند ماهی بندرخود را از بازار سیاه و به ازای ۱ کیلوگرم ۱۰۰ تومان تهیه کنند. برنج با کوپن و به مقیاس هر



نفر ۷۵۰ ترم در فاصله زمانی تا دو ماه یکبار توزیع می‌شود. شکر کمیاب است و حتی در بازار سیاه نیز با کیلویی ۴۰ تومان، به سختی یافت می‌شود.

"تعاونی" تجار مرزنشین

به ابتکار دولت جمهوری اسلامی در شهرهای کناره خلیج فارس و دریای عمان تعاونی‌هایی برای واردات کالا تأسیس شده است. در شهرستان چاه‌بهار این تعاونی با هماهنگی چند تاجر معروف و از جمله دولتخواه، امانی، دوشکی و سلطانیور، تشکیل گردید. این تعاونی اجازه دارد در ازای صدور بسته و کتشم و غیره به کشورهای حوزه خلیج فارس، از آن کشورها، کالا وارد کند. مردم زحمتکش چاه‌بهار، بنابه مشکلات عدیده‌ای که در تامین نیازهای اولیه خود داشتند، از این تعاونی استقبال کرده و قریب به ۱۵ هزار نفر به هر طریقی که بود مبلغ سنگین سه هزار تومان حق عضویت تعاونی را تهیه کرده و عضو تعاونی شدند. تعاونی مزبور از سال ۶۲، تاکنون تنها دو بار کسالا وارد نموده است که عمده‌تای عبارت بوده است از: ظروف لوکس چینی ۸۵ و ۹۵ پارچه، یخچال ایتالیایی، موتور سیکلت، کمپوت آناناس، پارچه و در کنار این اقلام چای، شکر، برنج و روغن. چینی آلات و یخچال و موتور سیکلت و بخش اعظم برنج و روغن و چای وارداتی، بین فرمانداری، کمیته امداد و اعوان و انصار تجار توزیع شد و کمپوت آناناس و مانده کالاها بین اعضای تعاونی. تازه این اقلام هم گاه با نرخی چند برابر قیمت اصلی تحویل داده شد. برای مثال، بر قیمت هر کیسه ۵۰ کیلویی برنج، مبلغ ۵۰۰ ریال

عوارض بعنوان کمک اجباری به جیبه‌های جنت افزودند. مردم چاه‌بهار به واسطه بی‌عدالتی‌های تعاونی، اسم آنها از تعاونی مرزنشینان به تعاونی تجار مرزنشین تغییر داده‌اند.

مسکن

بسیاری از زحمتکشان چاه‌بهار در "کپرها" زندگی می‌کنند. رژیم حتی "کپر" ساختن را نیز برای بی‌سربن‌ها ممنوع کرده است. در شهریور سال ۶۲، ماموران شهرداری در پناه سرنیزه پاسداران به زحمتکشانی که در زمین‌های پشت پمپ‌بنزین شهر، کپره‌های خود را برپا کرده بودند هجوم برده و کپره‌ها را با لودر و بیل و کلنگ از جا کردند. تاکنون دهها تن از کارگران و محرومین چاه‌بهار بخاطر مقاومت در برابر اکیپ‌های تخریب به زندان افتادند. یکی از زحمتکشان چاه‌بهار در مسجد اهل تسنن، خطاب به نماینده چاه‌بهار در اعتراض به دولت گفت: "آیا این است آن وعده‌هایی که بما می‌دادید، که آقای شهردار کپره‌های مردم را در جلوی زنان و کودکان آتش بزنند، آیا این است حمایت از مستضعفین، که چاه آبی را که در ازای تمامی دار و ندار یک پیرزن برایش حفر کرده بودند، خراب نمایند!"

شهردار بندر و مسئولین دولتی می‌گویند این واحدهای مسکونی پروانه ساخت ندارند و باید ویران شوند. مردم می‌گویند سرم‌بندی یک کپر که جواز ساختمان نمی‌خواهد، تازه چرا پس متمولین می‌توانند بدون پروانه در وسط شهر، مبادرت به ساختن خانه و مغازه کنند.

ستم ملی

تضییقاتی که علیه مردم زحمتکش چاه‌بهار اعمال می‌شود یکی، دو تا و صد تا نیست. علاوه بر همه بی‌عدالتی‌های بر سرده مردم بلوچ چاه‌بهار از لتمام گسیخته‌ترین ستم ملی رنج می‌برند. آنها به مانند تمامی خلق بلوچ هیچ‌گونه مشارکتی در اداره امور حتی به شکل تهریف شده و محدود ندارند. اکثریت قریب به اتفاق مسئولین و مقامات شهری این بندر، غیر بلوچ هستند. از آنجا که در این بندر همانند دیگر نقاط بلوچستان امکانات تحصیلی ناچیز است، عملاً امکان استخدام در ادارات دولتی از اهالی بومی سلب شده است. از اینرو بسیاری از کارمندان ادارات و آموزگاران مدارس غیر بلوچ و غیر محلی هستند. کاربرد اجباری زبان فارسی در ادارات، مشکلات بسیاری برای مردم بیار آورده است. مردم محلی جز زبان مادری، بلوچی زبان دیگری نمی‌دانند. اما این حقیقت برای مسئولین رسمیت ندارد. به این خاطر هیچ مطلبی به این زبان منتشر نمی‌شود، چه رسد باینکه در مدارس تدریس بزبان مادری، صورت گیرد. هرگونه آداب و رسوم سنتی و یا حتی پوشش محلی تحقیر می‌شود. از نظر مذهبی مردم چاه‌بهار مسلمان اهل سنت هستند. اما مسئولین و مبلغین دولتی هیچ فرصتی را برای تحقیر باورهای مذهبی‌شان از دست نمی‌دهند.

برای تحمیل چنین تبعیضاتی دستجات متعدد پاسدار را بنام کمیته‌ای، و سپاهی از یزد، اصفهان، کرمان، مشهد... درهمه بلوچستان و از جمله در چاه‌بهار مستقر کرده‌اند. آنها در چاه‌بهار بقیه در صفحه ۱۰

ادبیات کودکان و حکومت خرافه و خیانت

همینا با تلاش برای خارج ساختن هنرمندان مترقی و مردمی از عرصه آفرینش هنری عوامل رژیم به انتشار تراوشات ذهنی و پیشبرد برنامه های تربیتی خویش اقدام نمودند که مانند همه عرصه های دیگر در این زمینه نیز برای مردم و کودکان مافاجعه بار بود. در زمینه انتشار کتب کفایت به نوشته های همان حجت الاسلام راستگو: "مهاجرت به حبشه"، "حضرت الیاس" و... اشاره شود که خود گویای اندیشه و نوبوغ اینان است.

برنامه کودکان و نوجوانان تلویزیونی نیز منادی جنگ و شهادت طلبی و عزاداری است که لایلهای آن ترهات امپریالیستی با لعاب اسلامی ارائه می شود.

در عرصه مدارس که مسئولین امور تربیتی، پس از اخراج هزاران معلم آگاه و زحمتکش بلا منازع شده اند، به ارائه آثار هنری و تربیتی به کودکان مشغولند. و بطور مثال فیلمهای خوفناکی همانند "توبه نصوح" را که مراسم کفن و دفن و زنده شدن در گور را نشان می دهد، در سطح دبستانها به نمایش می گذارند و کودکان وحشت زده و گریبان و گریزان را به ضرب تهدید و تازیانه و ادار به تماشا می کشند (نمونه دبستان صادقیه، خیابان ۱۷ شهریور)

شرکت دادن کودکان دبستانی بازو و تهدید در مراسم دعای ندبه و کمیل و نماز جماعت مدارس وارد و نگاههای نظامی به شیوه روزمره مسئولین رژیم در مدارس تبدیل شده است.

امروز کار بد اینجا کشیده شده است که یکی از بزرگترین وظایف پدران و مادران پاک کردن ذهن و اندیشه کودکان از ترهات تزریق شده رژیم است. رژیم مدتهاست که برای تباہ کردن جان و اندیشه کودکان و نوجوانان ما حساب باز کرده است. رساندن پیام، اندیشه و احساس مردمی و انقلابی به کودکان و نوجوانان به مثابه یکی از گرانمایه ترین ارزشهای انقلابی می بایست در دستور کار نویسندگان، پدران، مادران و مربیان دلسوز قرار گیرد.

اما در قبال اقدامات مخرب رژیم جمهوری اسلامی در این عرصه باید تاکید کرد که همچنان که رژیم ستشامی طی دهها سال و با صرف هزینه های هنگفت نتوانست به اهداف ضد تربیتی خود در قبال کودکان و نوجوانان دست یابد و خود اینان سیل بنیان کنی در سرنگونی رژیم ستشامی بودند، اینبار نیز بی شک سرمایه گذاری خائفانه رژیم جمهوری اسلامی باشکست مواجه خواهد شد!

مامورین رژیم قرار گرفت. علی اشرف درویشیان را و ادار به ترک کار و دیار خود کردند و حق انتشار نوشته های ایشان را از او گرفتند. منصور یاقوتی و قدسی قاضی نور و دیگران را به زندان افکندند. نویسنده نمایشنامه "گرگ خسته" را در همان زمانی که نمایش اثرش در تئاتر شهر ادامه داشت، تحت پیگرد قرار دادند. کتابهایی که طی سالیان دراز توانسته بودند از تیغ سانسور رژیم ستشامی جان سالم بدر برند و در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به چاپ برسند به بهانه هایی از جمله اینکه تصاویر دخترهای کوچک در این کتابها روستری اسلامی ندارند جمع آوری شدند و با انتشار مجدد بازماندند.

اکنون وزارت ارشاد اسلامی کتابهای نوشته شده برای کودکان را برای مطالعه و بررسی و تایید و تصویب به حوزه علمیه قم نیز می فرستد و کوبا قرار است خود حضرات آیات عظام، در این زمینه نیز هنرنمایی کنند: "یک ماهگتی منسجم و پیوسته و حساب شده ای بین وزارت ارشاد، کانون پرورش فکری، امور تربیتی حوزه علمیه، بسیج دانش آموزی، جهاد مدارس و سایر کسانی که بنحوی با کودکان و نوجوانان سر و کار دارند صورت بگیرد و تحت نظارت مستقیم و یا نمایندگی حضرت امام یا آیت الله العظمی منتظری قرار بگیرد شاید بشود امید داشت که ادبیات کودکان و نویسندگانی کودکان و صدور انقلاب از طریق ادبیات به کشورهای خارج صورت بگیرد." (جمهوری اسلامی ۲ اردیبهشت)



به مناسبت ۱۱ خرداد، روز جهانی کودک، تگامی داریم به عملکرد مخرب جمهوری اسلامی در عرصه ادبیات کودکان و اقدامات شوم و هول آنتیز این رژیم در قبال کودکان. این حکومت خیانت و خرافه که روشنایی و آگاهی را تیغی آخته بر قلب خود میداند ترفندهای رنگارنگی بکار گرفته و میگیرد تا بتواند از کودکان معصوم و رنگ پذیر امروز، مسخ شدگانی نوحه خوان، زنجیرزن و مطیع و البته گوشت های دم توپ برای مطامع جنگ طلبانه اش بسازد.

رژیم خمینی با کودکان چنان روا می دارد که بوزم وی در آینده لشکری باشند با اطاعت کورکورانه برای نمایشهای نماز جمعه، چماقداری، کشت و کشتار و... و از این زاویه است که آگاهانه و حساب شده معتقدند: "باید ادبیات کودک و نویسندگی برای کودک ملهم از مکتب باشد و مکتب اگر رحما بینهم را مطرح می کند اشد! علی الکفار را هم مطرح می کند و این هنرمندی و ظرافت القاء یک نویسنده ادبیات کودکان است که چگونه این مساله را با لطافت و ظرافت و متناسب با روح کودک بیان کند و بنویسد" (حجت الاسلام راستگو، جمهوری اسلامی ۲ اردیبهشت). برای دستیابی به این هدف پلید و البته ناشدنی است که رژیم تلاش می کند نوشته ها و نویسندگان انقلابی را نابود کند و خود بر منبر خرافه و وهم و جنگ طلبی همچون حریفی بلا منازع ترکنازی و یکه تازی کند. همین حجت الاسلام در همان نشریه راه حل اول را چنین اعلام می دارد که: "اقدام از طریق داستانی برای بستن و جلوگیری قهر آمیز از این نوشتجات"

در همین راستا بود که از همان سالهای نخست پس از پیروزی انقلاب رژیم کوشید تا از فروزندی نام و آثار صد بهرنتی بکاهد. نام او را از پارکها و سایر امکان عمومی برداشته و کتابهایش را از پیشخوان کتابفروشی ها و قفسه کتابخانه ها جمع آوری کردند. تقابلی یک معلم روستایی مترقی به سیمای صد بهرنتی با یک فرد "مکتبی" که مردم به حمایت از فرد مکتبی برمی خیزند و معلم روستایی را لرد میکنند یکی از تم های ثابت فیلم ها و نوشته های حکومتی را تشکیل می دهد.

نویسندگان و هنرمندانی که در زمینه ادبیات کودکان کار می کردند، خود و با آثارشان مورد تعرض

با حراج منابع نفتی هم... بقیه از صفحه ۸

از نظر فروش ندرند و اینجا بحث نکنند که دستمان بسته است. خیلی هم دست آقایان باز است، تا ۲۵ الی ۲۰ دلار هر چه خواستند می فروشند و هیچ ممنوعیتی ندارند."

(رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس - کیهان هوایی ۶۲/۱۲/۱۵)

سیاست فروش و صادرات نفت کشور عینا همان چیزی است که رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس عنوان کرده اند. دست آقایان باز است تا بدون احساس کمترین ممنوعیتی، هر چه خواستند با قیمت

نازل ۲۵ دلار بفروشند! و این در شرایطی است که در روزنامه دولتی اطلاعات در همان ماه چنین آمده بود که:

"سازمان کشورهای صادر کننده نفت (اوپک) این روزها دستخوش بحران است... از سه ماه پیش برای دفاع از قیمتهای رسمی (بشکه ای ۲۹ دلار) سخت به تکاپو افتاده اند." (الملاعات ۶۲/۱۲/۲۶)

در حالیکه اوپک در تکاپو، حفظ قیمت بشکه ای ۲۹ دلار است، مقامات جمهوری اسلامی در ارگانهای رسمی خود پیشنهاد فروش نفت به قیمت بشکه ای ۲۵ دلار را دارند. بدیهی است که در پس پرده، مقامات جمهوری اسلامی نفت را با قائل شدن

"تخفیفات ویژه" برای مشتریان خود، از رقم مذکور در اظهاریه های رسمی نیز بسیار ارزانتر ارائه می کنند.

حکام مرتجع جمهوری اسلامی نه تنها به تصمیمات اوپک واقعی نمی نهند، بلکه با لحنی مشتمز کننده اظهار می کنند که:

"آمدند و گفتند اوپک تبدیل شده است به درجه ۲، ما آرزوی کنیم که اوپک بگیرد."!

(جمهوری اسلامی ۶۲/۱۲/۴)

روشن است که در جهان، چه جریانهای دیگری هم صدا و هم آرزو با جمهوری اسلامی، خواهان مرگ اوپک می باشند!

فیلمفارسی در جمهوری اسلامی

وقتی که اندیشمندان و هنرمندان از عرصه فعالیت هنری کنار زده شوند و "حوزه‌ها" مصدر همه و همه چیز حتی هنر باشند بی شک وضعیتی بهتر از وضعیت کنونی جاری در کشور بوجود نخواهد آمد. در چنین شرایطی خامنه ای رئیس جمهور به یکی از بزرگترین منتقدان جهان سینما بدل می شود و در جاهای مختلف از جمله در صحیفه (صفحات مثلا ادبی روزنامه جمهوری اسلامی) نطق و خدایابه هنری و سینمایی می کند. او اعتراف می کند:

"سینما را نمی شناسم علت هم اینست که در آن رژیم که هیچوقت فیلم تماشا نمی کردیم و حالا هم که می تواند فیلمهای خوبی وجود داشته باشد فرصتی نداریم" (صفحه ۶۴/۲/۱)

ولی این اعتراف مانع آن نیست که یک مصاحبه ۲۰ ستونی بپرامون سینمانداشته باشد. همه تاکید او در این مصاحبه بالا بلند این است که "دولت باید در مسائل مربوط به سینما حضور و دخالت فعال داشته باشد" البته این "باید" از خیلی وقت پیش به منصفه عمل رسیده و اثر خود را هم در ساختن فیلم های فرمایشی ضد مردمی منحصرا و مبتذل ببار آورده است.

متخصصین این چنینی امور هنری و سینمایی در جمهوری اسلامی کم نیستند. هر شارلاتانی برای خودش یکجا منتقد هنری ست. از جمله مهندس حاجت از اعضای هیات داوران جشنواره، فیلم دهه فجر است که در مصاحبه با کیهان ۱۴ فروردین می گوید: "مانی توانیم به شیوه عایی که جهان شرق و غرب از این هنر استفاده می کنند کردن بکنیم و از آن استفاده نکنیم." نتیجه انحصار سینمای ایران در دست چنین شیادانی این شده است که به اعتراف خبرنگار کیهان "جشنواره فاقد التهاب لازم می باشد و نمی تواند شور لازم هنری را بوجود بیاورد فیلم ها از نظر کیفی ضعیف هستند"

کیهان هوای ۲۱ فروردین ۶۴ با تیتر "تکاهی به فیلمهای برجسته سال گذشته" به معرفی "برجسته" ترین محصولات سینمایی در جمهوری اسلامی می پردازد. فروش گیشه میزان استقبال مردم از "برجسته" های سینمایی جمهوری اسلامی نشان می دهد!

"بازجویی" با هزینه دو میلیون و دویست هزار تومان تهیه شد و همین میزان در نمایش اول سینماهای تهران فروش کرد.

"بالاش" بعد از ۴ هفته در نمایش اول تهران میلخ ۲۴۲۰۰۰ تومان فروش کرد هزینه آن ۲۶۷۰۰۰ تومان بود.

"هیولای درون" این فیلم جایزه بهترین کارگردانی و بهترین فیلمبرداری را در دومین جشنواره فیلم فجر به خود اختصاص داد اما با فروش ۴۲۴ ۵۲۵ تومان جزو کم فروش ترین فیلمهای سال گذشته بود.

"ابراهیم در گلستان" این فیلم دوره ای از زندگی ابراهیم پیامبر را نشان می دهد. فیلم برنامه نوروزی (۶۴) شیر قصبه بود. ولی به خاطر عدم استقبال مردم بعد از سه شب با فروش حدود ده هزار تومان برچیده شد. تهیه این فیلم در سال ۶۰ با سرمایه ای در حدود ده میلیون ریال آغاز شده بود.

"خاک و خون" ۲۸۰۰۰۰ تومان هزینه و ۲۷۴۲۰۰۰ تومان فروش داشت "تاتوره" ۴ میلیون تومان هزینه و یک میلیون تومان فروش داشت

به این ترتیب "برجسته" ترین فیلمهای رژیم که با صرف هزینه های کزاف ساخته شده است، نتوانسته تماشاگران را به سینماها بکشاند و بی مشتری ماند. مسلما کزاف شکر کیهان هوایی خجالت کشیده است از دمها شاهکار دیگتر نام ببرد که بقول خودشان با هزینه "بیت المال" ساخته شدند و روی پرده نمایش باصندلی های خالی مواجه گشتند. از میان آنهمه یکی هم فیلم "یاد" بود که با صرف هزینه بسیار در اداره ارشاد اسلامی ممدان ساخته شد و در تهران در همان دوروز اول با هوشییدن چند ده تن تماشاچی که از سر بیکاری و ناچاری به سینما آمده بودند مواجه شد و بزودی آثارم از پرده سینماها برداشتنند. فیلم "یاد" در توجیه "ادامه جنگ حق علیه باطل" بود.

منتقدین سینمایی در گذشته فیلم های آبتوشتی مورد پسند ساواک شاه را که شارلاتانهای آن زمان سر هم بندی می کردند، "فیلمفارسی" می نامیدند. اینک همان شارلاتانها همراه با شارلاتانهای تازه پا بر خوردار از اعتبارهای هتفت دولتی ساختن "فیلمفارسی" را دنبال می کنند، بی آنکه بتوانند مانند گذشته تماشاگران را به سالن سینماها بکشاند. جمهوری اسلامی درست و حسابی در این عرصه هم ورشکست شده است.

این حکومت خمینی هم عجیب در محصه افتاده است. دست بهر کاری که می زند کار دست خودش می دهد. باره انداختن لات ولوتهای قبیعی بدست و چماق بدست خواست زهر چشم بگیرد، فرصتی به مردم داد تا تظاهرات راه بیاندازند. خواست اجتماع اول ماه مه را سر هم بندی کند، کارگران گفتند ما از خیرش گذشتیم و جشنهای کوچک و مخفیانه را ترجیح دادند...

در آذرماه آمدند و گفتند که برای دادن آزادی به مردم توزیع سیگار را "مردمی" می کنیم. بعد معرکه ای برپا شد، آن سرش ناپیدا. ناگهان سیگارهای تولیدی غیبشان زد. همه اهل دود با چراغ و بی چراغ، با کبریت و با فندک روز و شب بدنبال سیگار گشتند و دیدند که یافت می شود. کم کم (نه بلکه تند و تند) منگنه آن بالا و بالاتر رفت. ۲۵ تومان، ۲۰ تومان، ۴۰ تومان تا ۶۰ و ۶۵ تومان هم رسید. یعنی دانه ای سه تومن و دوزارده شاهی. بپوش بپوش سروصدای مردم هم بالا گرفت و بالاتر رفت. مردم هر چه از دهانشان درمی آمد نثار جد و آبی حکومت کردند. مردم می گفتند کار کار خودشان است. بی شرفها هالوگیر آوردند. سیگار را آزاد کردند که غیبش بزند. بعد نرخ که سه چهار برابر شد، کارتن کارتن و پاکامیون کامیون توزیع کردند. توی این مملکت هم اگر نرخ یک قلم جنس بالا برود که پایین بیانیست. حرف مردم این بود که جنگ خرج بر میدارد. اینها هم که گفتیرشان به ته دیگ خورده. روراست هم نمیتوانند بگویند هر نخ سیگار راسه و پنج زار می فروسیم. توی مجلس سنای خیابان سپه هم پس از شور و کمیسیون بی دربی تنها توانستند افزایش پنج ریال بر نرخ یک نخ سیگار را اعلام کنند. پس مثل همیشه به فکر کلک افتادند. سیگار را از طریق حاج آقاهای بازاری و کارچاق کن های کمیته ای به نرخ شیرین تحویل دادند. آنها هم بلدند چه کار کنند. تا هر چه که عشقشان کشید رویش کشیدند و تحویل خلق الله دادند. هم کمکی به مخارج جنگ می شود هم گیر خودبها چیزی می آید.

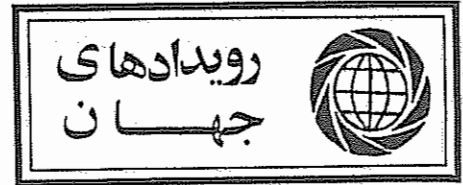
حکومتی ها قسم و آیه کردند که این حرفها حرف "گروهکها" ست. اما قسم و آیه ابلیس را چه کسی بود که باور کنند. مردم می گفتند قسم حضرت عباس را باور کنیم یا دم خروس را. آخرشما در همان آذرماه اعلام کردید اصلا قید بهمن و آزادی را زدیم و به شما

فقط تیر می دمیم پس آزادی و بهمن چرا در کارتن و بکن های ترو تمیز همه جا وفور است؟ از خارج که نمی آید. داخل هم که فقط خودتان تولید می کردید. مردم پایشان را توی یک کفش کردند که کار کار خودتان است. انبار زدید و بازار را گرم کردید حالا توی بازار می ریزید تا جیب مردم را خالی و خزانه را پر کنید. این دیگتر دم خروس نبود، به درازی دم روباه بود که خمینی چی ها نمی توانستند قاپش

رژیم و حکایت سیگار!

کند. مردم ول کن نبودند. برای حکومت دست گرفتند که با این کار می خواستند سیگار آزادی و بهمن را مثل آزادی و انقلاب بهمن غیر قانونی کنند. فقط تیر توب را می خوانند در همه جا ولو کنند. بعد رند ان چه حرفها که نژدند، چه کارها که نکردند. دنگ دارمائی که کله شان بوی قورمه سبزی می داد همان وقتها با خذ کچ جمعوج بالای سرشان نوشتند که "بهمن تمام شد، آزادی نداریم، فقط تیر موجود است" اولش حزب الله نفهمید قضیه از چه قرار است. بعد مردم همه جادم گرفتند که "... آزادی حتی حزب الهی های کودن هم شرفهم شدند که قضیه از چه قرار است تازه حکومتی ها داشتند به این حرفها عادت می کردند که حرفهای دیگتری پیش آمد. اشکال کار اینجاست که حرفهای تازه را مردم دسته جمعی دم می گرفتند. پاهایشان را محکم به زمین می کوبیدند، دستپاشانرا مشت می کردند و دسته جمعی و با آمد، و پشت سر هم می گفتند "سیگار تیر نمی خوابیم - رهبر پیر، نمی خوابیم" نه بیکبار و نه دوبار... تا آنجا که نفس داشتند داد می زدند. حال اثر در یک محلی می گفتند و می رفتند یک چیزی. اما قضیه از این قرار نبود. این شعار انتشار بال داشت و پرواز می کرد از این محل به آن محل از این شهر به آن شهر.

حکومتی ها پاک سرگیجه گرفتند. هر کد امشان زورشان می رسید تئوسردیگتری می زد که تقصیر تو بود. بالاخره هفته گذشته روزنامه چی های خمینی آمدند و مدیر کل دخانیات را دراز کردند. آن بیچاره "مامور و معذور" حسابی به تته پته افتاده بود که این بر خوردها "اسلامی" نیست. اما دینر کار از کار گذشت، آب رفته بجوی باز نمی آید. مردم هر بار که تظاهرات می کنند دم می گیرند که "سیگار تیره نمی خوابیم - رهبر پیر نمی خوابیم"



پراودا: دور اول مذاکرات ژنو رضایت بخش نبود

به نوشته روزنامه پراودا نتایج نخستین روز مذاکرات آمریکا و شوروی را، که به ابتکار اتحاد شوروی آغاز شد، نمی توان رضایت بخش قلمداد کرد. در این نوشته آمده است اتحاد شوروی در ژنو آمادگی خود را برای انجام اقدامات مشخص نشان داده و در این رابطه پیشنهادهایی در سه زمینه ها ارائه نمود. اما در موضع آمریکا هیچ عنصر سازنده ای وجود ندارد. این موضع، در عمل نافی توافق دو کشور پیرامون اهداف و موضوع مذاکرات است. پراودا نوشته است یافشاری آمریکا بر ایجاد سلاحهای تهاجمی فضایی کارشکنی آشکاری در بحث پیرامون حل مسئله جلوگیری از سابقه تسلیحاتی در قضاوت. پراودا در پایان می نویسد: از موضعگیریهای اشتراکین باید چنین نتیجه گرفت که آمریکایی خواهد مواضع خود را در دور دوم مذاکرات که سی ام ماه مه در ژنو آغاز خواهد شد نیز حفظ کند.

دیدار دبیر کل سازمان ملل متحد از کوبا

دبیر کل سازمان ملل متحد، خاویر پرز و کوئیاریا در هفته گذشته به هاوانا مسافرت کرد. فیدل کاسترو رهبر کوبا در این دیدار حمایت کامل خود را از تلاشهای صلح آمیز سازمان ملل متحد برای حفظ امنیت بین المللی اعلام نمود. کاسترو همچنین تاکید کرد که کوبا در چهارچوب سازمان ملل متحد به تلاشهای خود برای ایجاد یک نظام نوین بین المللی اقتصادی بر پایه روابط متقابل عادلانه ادامه خواهد داد.

اوضاع بحرانی آمریکای لاتین و جنوب آفریقا، بدهکاریهای عظیم کشورهای در حال رشد به کشورهای امپریالیستی و مسائل داخلی ناشی از آن و ضرورت قطع سابقه تسلیحاتی که مانع از رشد اجتماعی خلق ها گردیده و موجودیت بشریت را تهدید می کند، از جمله مسائلی بودند که مورد تاکید فیدل کاسترو و پرز و کوئیاریا قرار گرفتند.

رهبران سیاسی اروپای غربی در مسکو

اتحاد شوروی و ایتالیا برای جلوگیری از سابقه تسلیحاتی در قضا و زمین به اقدام دست می زنند. این مطلب در دیدار میخائیل گرباچف دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی با بنیتو کراسی نخست وزیر ایتالیا اعلام شد. نخست وزیر ایتالیا در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت که وی نگرانی اتحاد شوروی را از تلاشهای آمریکا برای برهم زدن تعادل تسلیحاتی موجود، درک می نماید. میخائیل گرباچف رهبر شوروی متقابلاً عزم اتحاد شوروی برای

یافتن راه حل در هر سه زمینه مورد مذاکره در کنفرانس ژنو را اعلام نمود.

* ویلی برانت رهبر حزب سوسیال دمکرات آلمان غربی نیز پس از ملاقات پنج ساعته خود با دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی، در مسکو در مصاحبه ای مطبوعاتی اوضاع جهانی را "غیر عادی، غیر طبیعی و خطرناک" خواند. وی تلاش برای نظامی کردن فضای کیهانی را محکوم کرد و گفت: "آنچه ما می خواهیم سلاحهای کشنده و خطرناک نیست بلکه سیاست منطقی است. اهداف نظامی دست نیافتنی در روی زمین را در فضا جستجو کردن راه حل نیست، بلکه خطر جنگ را افزایش می دهد." وی همچنین گفت که: "باید بدون توجه به سیستم های اجتماعی حاکم بر کشورها برای غیر قابل بازگشت ساختن روند تشنج زدائی دست به تلاش زد."

تلاش برای پایان دادن به درگیریهای خونین بیروت

در گیریهای خونین میان شبه نظامیان سازمان ملل و واحدهای ارتش لبنان از یک سو، و نیروهای مسلح فلسطینی از سوی دیگر در بیروت هم چنان ادامه دارد. تنها در روز چهارم خرداد ۲۲ نفر قربانی این زد و خورد های بی معنی شده و ۱۹۲ تن مجروح شدند. بدین ترتیب شمار کشتهگان تا این روز به ۱۸۸ نفر و تعداد مجروحین به ۱۰۰۰ تن بالغ گشت. شبه نظامیان امرل برخی بیمارستانها را نیز بمباران کرده و از ورود آمبولانسها به اردوگاههای آوارگان فلسطینی جلوگیری نمودند.

روزنامه های بیروت گزارش دادند نیروهای امرل وارد اردوگاههای فلسطینی شده و در آنجا به مواضعی دست یافته اند. شوراهاى مردمی و سایر سازمانهای مستقر در اردوگاهها، در برابر حملات دعوت به مقاومت نموده و از به زمین گذاردن سلاحهایشان خودداری ورزیدند.

همزمان با درگیری برای تصرف اردوگاههای فلسطینی، بار دیگر در امتداد "خط سبز" که شرق و غرب بیروت را جدا می کند، نبردهای سختی میان نیروهای ملی لبنان و شبه نظامیان راست ترا در گرفت.

خبرگزاری لبنان گزارش داد رشید کرامی نخست وزیر این کشور طی یک تماس تلفنی با عبدالخلیم خدام معاون رئیس جمهور سوریه در باره امکانات جلوگیری از درگیریهای بیروت به مذاکره پرداخت. به گزارش همین خبرگزاری نیبه بری عضو کابینه لبنان و رهبر سازمان امرل نیز با خدام در باره وقایع اخیر بیروت گفتگو کرد.

سفر نماینده دبیر کل سازمان ملل به افغانستان

دیه کورکور دو روز نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل متحد روز چهارشنبه هفته گذشته وارد کابل شد. او در باره طرق سیاسی حل و فصل مسائل پیرامون افغانستان با شاه محمد دوست وزیر امور خارجه

دولت انقلابی افغانستان به مشاوره پرداخت. کورکور ویزیت از مسافرت به کابل، در اسلام آباد با مقامات دولتی پاکستان نیز گفتگو کرده بود.

همزمان با آغاز مجدد تلاشهای میانجیگرانه نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل، در پاکستان آوارگان افغانی تظاهرات گسترده ای در اردوگاهها بر پا کردند. تظاهر کنندگان خواستار بیرون رفتن از آنجا امکان بازگشت به وطن داده شود. دولت پاکستان و سرکردگان باندهای ضد انقلابی که آنها را در حکم گروگانهای خود تلقی می کنند، با این خواسته مخالفت می کنند. برای سرکوب این تظاهرات دسته های پلیس به اردوگاههای آوارگان از جمله در منطقه پیشاور گسیل گردیدند. پلیس عده ای از تظاهر کنندگان را دستگیر ساخت.

تظاهرات علیه ضیاء الحق در کراچی

هفته گذشته کراچی بزرگترین شهر پاکستان صحنه تظاهرات گسترده ضد دولتی بود. این تظاهرات در روزهای دوشنبه و سه شنبه در پی تشدید فشار رژیم نظامی ضیاء الحق به اقلیت های ملی بر پا گردید. نیروهای نظامی وحشیانه به سرکوب تظاهر کنندگان برخاستند که در نتیجه آن ۲ تن از تظاهر کنندگان کشته شدند. رقم دستگیر شدگان صدها نفر برآورد شده است. به رغم سرکوب مردم، هنوز اوضاع در کراچی بویژه بخش غربی آن متشنج است. اکنون در این شهر مقررات منع رفت و آمد حکمفرماست و نیروهای نظامی در خیابانها گشت می زنند.

گسترش مخالفت مردم بارزیم نظامی پاکستان، تکرانی محافل حاکمه این کشور را برانگیخته است. به نوشته یک نشریه هندی "ضیاء الحق رئیس حکومت پاکستان توسط افراد مورد اعتماد خود، بخش اصلی سرمایه هایش را به خارج منتقل ساخته و در یکی از کشورهای خاور میانه اراضی وسیعی خریداری کرده است."

آمریکابا محکومیت اسرائیل مخالفت کرد.

شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد، رژیم اسرائیل را به علت نقض دائمی حقوق بشر در جنوب لبنان محکوم کرد. شورا در سند ویژه ای که مورد تصویب قرار داد، خواستار شد که اسرائیل به سرکوب پایان دهد و دستگیر شدگان و ربوده شدگان را آزاد نماید. شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل همچنین از اسرائیل خواست که "نیروهای خود را بی درنگ و بطور کامل از لبنان فرابخواند." این جامعه بین المللی از همه کشورها نیز درخواست کرد که از هر گونه کمک اقتصادی، سیاسی و نظامی به اسرائیل خودداری کنند. آمریکا تنها کشوری بود که با تصویب سند ویژه شورا مخالفت ورزید و علیه آن رای داد.

مصاحبه «اکثريت» با یکی از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست پاکستان

اخیراً مخالفت مردم پاکستان با رژیم نظامی این کشور اوج تازه ای یافته است. اینک شهرهای بزرگ پاکستان شاهد تظاهرات و اعتراضات وسیع مردم علیه رژیم دیکتاتوری ضیا الحق است. این موج جدید اعتراضات، در ادامه حرکت‌های وسیع توده ای است که از مدت‌پیش ارکان حکومت ضیا الحق را به لرزه در آورده است. برای ارائه تحلیلی از وضعیت جنبش توده ای در پاکستان و اوضاع منطقه، مدتی پیش خبرنگار ما مصاحبه ای با یکی از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست پاکستان بعمل آورد که به درج آن می‌پردازیم:

نظامیان باز نشسته بودند. شور و هیجان موجود در کشور بیسابقه است. توجه مردم به سوی فردا است به سوی دگرگونی است. جنبش برای احیای دموکراسی (ائتلاف ۱۱ حزب سیاسی، ام.آر.دی) برنامه آلترناتیو خود را اعلام نموده است که از سوی دیگر محافل و احزاب سیاسی، مورد حمایت قرار گرفته است. در این مرحله نوین مبارزه تمامی احزاب چپ و ضد امپریالیست بمنظور تحکیم و تقویت و گسترش دامنه جنبش میبایستی مواضع مشترکی در داخل ام.آر.دی در پیش گیرند تا بتوانند به نتایجی منطقی دست یابند.

توان در اوضاع سیاسی کشور مشاهده نمود. بطور مثال نیروهای کثیری از بورژوازی مداخلات دارو دسته نژامی پاکستان در مورد افغانستان را محکوم نموده اند.

س- برگزاری و نتایج همه پرسی را چگونه ارزیابی میکنید؟

ج- خیمه شب بازی همه پرسی را می‌بایستی در رابطه با اوضاع پیشین و تصمیم ژنرال ها مبنی بر فراموشی با هر حیل و نیرنگ ارزیابی نمود. شرکت تنها ۳۷ درصد از واجدین شرایط پاسخ دندان شکنی به سیاست‌های دارو دسته نظامی حاکم بود. اوضاع کنونی که نتیجه تسلیم در مقابل سیاست‌های اقتصادی آمریکا است برای مردم پاکستان غیر قابل تحمل گشته است. آنان خواستار دگرگونی هستند لیکن شرایط ذهنی هنوز کاملاً تکوین نیافته است.

س- نظرتان در مورد انتخابات پارلمانی چندی پیش اجرا شد چیست؟

ج- خیمه شب بازی انتخابات پارلمانی و فعالیت انتخاباتی که براه انداخته شد در نوع خود بی نظیر بود. هیچیک از نامزدها حق نداشتند در مورد سیاست و برنامه های خود تبلیغ کنند و نمی توانستند نمایندگی هیچکدام از جناحها یا احزاب سیاسی را بعهده گیرند. برخی از نامزدهای پارلمان در حوزه انتخاباتی خود شناخته شده نبودند. در حقیقت مبارزه انتخاباتی مبارزه ای میان سرمایه بود. هدف رژیم از انتخابات تنها ایجاد دستاویزی برای مشروعیت بخشیدن به خلاف ورزیهای گذشته رژیم بود. انتخابات را بیشتر احزاب سیاسی تحریم کردند. نامزدهای انتخابات عدداً از میان مجلس شورای ضیا الحق، وزیران ایالتی و استانی و

س- تحولات در عرصه بین المللی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ج- پس از ملاقات رفیق گرومیکو با آقای شولتز در ژنو پیرامون کاهش سلاح‌های هسته ای، اینک پیشرفتهایی در عرصه سیاست جهانی مشاهده می‌شود. نشست ژنو در حقیقت یک عقب نشینی از سوی امپریالیسم آمریکا محسوب می‌گردد. آنان نتوانستند در برابر توانایی تکنولوژیک و دستاورد سوسیالیسم و جنبش صلح بویژه در اروپا که بنوبه خود گسترده و پیر توان است مقاومت نمایند. امپریالیسم آمریکا در راستای سیاست ایجاد کانون‌های تشنج در مناطق مختلف جهان بمنظور پیشبرد اهداف شیطانی خود، در منطقه ما اقدام به توطئه علیه افغانستان انقلابی در این سوی مرز نموده است. امپریالیسم آمریکا با بکارگیری نیروهای تعلیم دیده و تدارک سلاح‌های پیشرفته و با همکاری رژیم نظامی پاکستان، ایران و دیگر حکومت‌های ارتجاعی منطقه، نهایت تلاش خود را بمنظور به شکست کشاندن انقلاب دموکراتیک افغانستان بکار گرفته است. اما ضد انقلابیون قاتل، راهزن و غارتگر دیگر ناتوان از استقرار در خاک افغانستان هستند. آنان تنها قادرند تا مدتی تحت پوشش تبلیغات امپریالیسم آمریکا و رژیم وابسته نظامی پاکستان به زندگی خود ادامه دهند.

امپریالیسم آمریکا کوشش فراوانی میکند تا دارو دسته نظامی حاکم بر کشور ما را وادار سازد تا محور کرانه مکران را در اختیار آمریکا قرار دهد. اسلام آباد امکانات و تسهیلاتی را در اختیار نیروهای «فرماندهی مرکزی» قرار داده است. خطر استقرار موشک‌های هسته ای همچنان باقی است. اوضاع و تحولات مزبور بر اوضاع سیاسی کشور ما تأثیر گذاشته است. هر چند تاکنون دامنه بسط و گسترش آن کاملاً مشخص نگردیده است اما چرخش محسوس را می

س- لطفاً نقش حزب را در اوضاع کنونی شرح دهید؟

ج- حزب کمونیست پاکستان در کنار حزب ملی پاکستان و دیگر احزاب سیاسی چپ به وظایف خدایر خود در جنبش آشنا هستند و نیرو و توان خود را در راستای جبران خلأ شرایط ذهنی در جنبش بسیج نموده اند. در اجلاس ام.آر.دی حزب ملی پاکستان لزوم وحدت مردم بمنظور مبارزه در راه سرنگونی رژیم و کوتاه ساختن دست آن در توطئه‌های ضد انقلابی بر علیه افغانستان و حل مسئله ملیت هادر پاکستان را مورد تأکید قرار داد.

س- رفیق، در پایان اکر بیامی، برای مردم ایران دارید بفرمائید.

ج- مردم ایران و گردانهای پیشاهمت، طبقه کارگر ایران، حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) در شرایط دشوار و پیچیده ای می‌رزمند. کارگران و دهقانان زحمتکش پاکستان تحولات سیاسی کشور شما را با اشتیاق پیگیری میکنند. در هر محفل و هر مکانی مردم در مورد تحولات اخیر ایران به بحث می‌پردازند. این شیوه یکی از بهترین شیوه‌های ابراز همبستگی زحمتکش پاکستان با مردم ایران است. انقلاب ضد استبدادی، ضد سلطنتی، ضد امپریالیستی ایران شجاعت و دل‌ترمی به مردم پاکستان بخشیده و مردم همچنان در انتظار تحولات هر چه بیشتری در راستای تأمین منافع مردم قهرمان ایران می‌باشند. ما ایمان داریم که حزب و سازمان با رهبری کار آموزه و توانای خود موقعیت کنونی را با موفقیت و سر بلندی پشت سر خواهند گذاشت.

هزینه چاپ این شماره «اکثريت» را

رفقای فدایی در پاریس

تأمین کردند

AKSARIYAT

NO.59

MONDAY, JUNE, 3, 85

Address: آدرس:

RUZBEH

POSTFACH 1810

5100 AACHEN

W. GERMANY

کتاب‌های مالی رسیده

رفیقی از هندوستان	۵۰ مارک
رفقای فدایی در استرالیا	۴۴۳/۶ مارک
رفیق مریم از هانوو (آلمان فدرال)	۲۰۰ مارک
ج. ۵۰ از اس (آلمان فدرال)	۲۰۰ مارک
رفیق ۱۲۵ از بیلفلد (آلمان فدرال)	۲۵ مارک
رفیقی از بیلفلد (آلمان فدرال)	۱۲۵ مارک
دوست عزیز مهرناز از بریتانیا	یک دستبند طلا
رفیق ش	۱۲۵ مارک
رفیق ب. از تمپی (آمریکا)	۲۰۰ دلار
رفقای فدایی در بوخوم (آلمان فدرال)	۲۰۰ مارک
رفقای فدایی در مونستر (آلمان فدرال)	۲۸ مارک
کمک به نشریه «کار»:	
رفقای فدایی در بوخوم (آلمان فدرال)	۲۰۰ مارک
رفقای فدایی در مونستر (آلمان فدرال)	۲۱۴ مارک

مؤگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!